دانشگاه آزاد اسلامی

سه‌شنبه
۲۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۵
۲۴ ذی‌القعده ۱۴۴۷
۱۲ می ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۵۴۰

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



نگاهی به آمارهای شگفت‌انگیز بازدیدهای میلیونی و اثرگذاری هوشمندانه انیمیشن‌های لگویی بر مخاطب غربی

لگو علیه امپریالیسم

۵

نقش امارات؛ بازیگر اثرگذار رادیکال و مناقشه‌برانگیز در تحولات منطقه

رفیق دزد و شریک قافله

۱

گزارش تحلیلی «آگاه» درباره رویکرد دشمن متجاوز در قبال ایران را بخوانید

جنگ اقتصادی آمریکا و راهکارهای ۱۱ گانه

۲

گرانی داروها پس از جنگ‌های تحمیلی مشکلات بسیاری ایجاد می‌کند

درد دارو در جامعه

۶



شروط ایران برای پایان جنگ به آمریکا ارسال شد

۵ شرط اصلی ایران

- همه تحریم‌ها برداشته شود
- اموال بلوکه شده ملت ایران آزاد شود
- شناخته شدن حاکمیت ایران بر تنگه هرمز
- آتش‌بس در سراسر جغرافیای مقاومت برقرار شود
- غرامت ایران از جنگ تحمیلی اخیر تأدیه شود

۳

از رمضان تا فردا؛ وقتی دشمن دوباره اشتباه کرد



هادی رضائی
دبیر گروه سیاسی

چند روز پیش، در دیدار سرلشکر عبداللهی، فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا (ص) با رهبر انقلاب، صحنه‌ای فراتر از یک گزارش نظامی معمولی رقم خورد. این دیدار، نمادی از یک نظام در اوج آمادگی و اقتدار بود؛ جایی که نه از ضعف خبری هست، نه از تردید و نه از انفعال. فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا (ص)، گزارش دقیق و امیدوارکننده‌ای از وضعیت نیروهای مسلح ارائه کرد و رهبر انقلاب نیز در پاسخ، تدابیر و دستورات جدیدی ابلاغ فرمودند. این ابلاغ، برای کسانی که زبان میدان و سیاست را می‌فهمند، حامل پیام‌های راهبردی عمیقی است.

ماه رمضان امسال، یکی از مهم‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر ایران شد. با تدابیر هوشمندانه رهبر انقلاب و حضور آگاهانه و مصمم نیروهای مسلح و ملت، نه تنها حملات و توطئه‌ها خنثی شد، بلکه ایران توانست در چندین جبهه، دست برتر را نشان دهد. این پیروزی‌ها، ریشه در عمق اعتقادی، تجربه عملیاتی چهار دهه گذشته و انسجام درونی نظام داشت. دشمن بار دیگر در ارزیابی «قدرت ایران» دچار خطای فاحش شد.

گزارش سرلشکر عبداللهی، یک روایت تشریفاتی نبود؛ بلکه ترسیمی دقیق از واقعیت میدانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بود. روحیه رزمی بالا، تکمیل طرح‌های عملیاتی، ارتقای تجهیزات و تسلیحات بومی و مهم‌تر از همه، آمادگی کامل برای پاسخ سریع، قاطع و متناسب به هر تهدیدی، بخش‌های کلیدی این گزارش بودند.

این آمادگی، پیام شفاف به دشمن دارد: دوران «ضربه و گریز» یا «جنگ محدود» برای شما تمام شده است. اگر خطای محاسباتی مرتکب شوید، پاسخ ایران نه تنها دفاعی، بلکه تهاجمی، هوشمند و ویرانگر خواهد بود. این همان پیامی است که قرارگاه خاتم‌الانبیا (ص) به عنوان قرارگاه مرکزی و فرادستی جنگ، به طور صریح به طرف مقابل منتقل کرده است.

ابلاغ تدابیر جدید توسط رهبر انقلاب، نقطه محوری این دیدار بود. هرچند جزئیات این تدابیر به دلایل امنیتی منتشر نمی‌شود، اما خود ابلاغ آنها در این برهه زمانی، حائز اهمیت فراوان است. این تدابیر نشان‌دهنده آن است که نظام جمهوری اسلامی نه تنها در حالت دفاع ایستا نیست، بلکه با رصد دقیق تحولات، برای سناریوهای آینده برنامه‌ریزی کرده و ابتکار عمل را در دست دارد.

این رویکرد، ویژگی بارز رهبری حکیمانه است؛ در اوج فشار و تهدید، به جای انفعال، حرکت به جلو و تقویت بنیه دفاعی. برای نیروهای مسلح، این تدابیر یعنی مسیر روشن و حمایت کامل؛ برای ملت، نشانه اطمینان و آرامش و برای دشمن، هشداری جدی که دوران «استراحت استراتژیک» ایران به پایان رسیده است.

یکی از نقاط قوت گزارش فرمانده قرارگاه، تاکید بر نقش بی بدیل ملت بود. سرلشکر عبداللهی از زبان رزمندگان، پیمان بست که «تا پای جان و آخرین نفس» ایستاده‌اند. این سخن، شعار نیست؛ ریشه در فرهنگ عاشورایی، خون شهدای گرانقدر و تجربه تاریخی ملت ایران دارد. این پشتوانه مردمی، سرمایه‌ای است که هیچ تحریم، تهدید یا جنگ روانی قادر به خرید، تضعیف یا نابودی آن نیست. دشمن هرگز نتوانسته این متغیر کلیدی را در محاسبات خود به درستی بگنجاند و همین نقطه، راز اصلی شکست‌های پی‌درپی او بوده است.

دشمنان، به‌ویژه محور آمریکایی- صهیونیستی، باید این واقعیت را بپذیرند که ایران اسلامی، ملتی است که هر بار پس از فشار، قوی‌تر و با تجربه‌تر برمی‌خیزد. اگر دشمن عاقل باشد، این پیام را دریافت می‌کند. اگر نکند، میدان نبرد، بهترین معلم خواهد بود و این بار، هزینه اشتباه او بسیار گران‌تر از دفعات قبل خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران، ایستاده و پیش‌رونده است.

نقش امارات؛ بازیگر اثرگذار، رادیکال و مناقشه‌برانگیز در تحولات منطقه

رفیق دزد و شریک قافله

سیدسجاد پادام - آگاه مسائل اقتصاد انرژی: در سال‌های اخیر هرگاه از تهدیدهای منطقه‌ای علیه ایران صحبت می‌شود، ذهن بسیاری به سرعت به سمت آمریکا یا اسرائیل می‌رود. اما در کنار این دو بازیگر، کشور دیگری نیز به تدریج جایگاه مهمی در معادلات امنیتی و اقتصادی منطقه پیدا کرده است؛ امارات متحده عربی. برخلاف تصویری که امارات از خود به عنوان حامی ثبات و توسعه منطقه‌ای ارائه می‌دهد، شواهد متعدد حاکی از آن است که این کشور به یک بازیگر بی‌ثبات‌کننده و رادیکال در غرب آسیا و فراتر از آن تبدیل شده است. درک این تحول برای تحلیل تنش‌های اخیر در تنگه هرمز و رویارویی با ایران ضروری است، چراکه بحران‌های کنونی نقطه عطفی ناگهانی نیستند، بلکه اوج یک راهبرد تهاجمی چندساله هستند. امارات طی دو دهه گذشته تلاش کرده تصویری از یک کشور مدرن، تجاری و توسعه‌گرا ارائه دهد؛ اما همزمان، در بسیاری از پرونده‌های منطقه‌ای نقش فعالی ایفا کرده که از نگاه منتقدان، به افزایش تنش و بی‌ثباتی منجر شده است. برای درک حساسیت جایگاه امارات در تقابل‌های اخیر، باید چند محور را همزمان بررسی کرد:

لایه اول: امارات به عنوان گره راهبردی مالی و ارزی ایران

با تشدید تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران در دوره‌های مختلف، دسترسی کشور عملا از شبکه رسمی سوئیفت و نظام بانکی جهانی قطع شد. در این شرایط، اقتصاد ایران ناگزیر به سمت سازوکارهای غیررسمی، شبکه‌های واسطه‌ای، سیستم‌های حواله و شرکت‌های صوری (ثبت‌شده در خارج از کشور) حرکت کرد. در این میان، امارات متحده عربی، به ویژه امارت دبی، به مرکز ثقل این سازوکار موازی تبدیل شد. دلایل این موقعیت منحصربه‌فرد عبارتند از:

۱. زیرساخت بانکی و تجاری انعطاف‌پذیر: وجود هزاران شرکت ثبت‌شده در مناطق آزاد (مانند JAFZA)، تسهیل در افتتاح حساب‌های شرکتی و وجود صرافی‌های بزرگ بین‌المللی که توانایی سوئیفتینگ غیرمستقیم یا استفاده از کریدورهای مالی جایگزین (مانند اوراق بهادار با پایه طلا یا ارزهای دیجیتال) را دارند.

۲. نزدیکی جغرافیایی و اشتراک فرهنگی: مسافت کوتاه (۳۰ دقیقه پرواز از بندرعباس به شارجه) و حضور شبکه گسترده تجار ایرانی- اماراتی، امکان انتقال فیزیکی پول (حواله یا حامل‌های مالی) را نیز در کنار نقل و انتقالات الکترونیکی ممکن ساخته است. بخش قابل توجهی از کالاهای وارداتی ایران، به ویژه کالاهای واسطه‌ای و ماشین‌آلات، از طریق «تجارت مجدد» (Re-export) از بنادر دبی و شارجه وارد می‌شود.

اما وابستگی به این شبکه‌ها ریسک و هزینه‌های سنگینی نیز داشته که عبارتند از:

ریسک شوک ارزی: به دلیل غیررسمی بودن این کانال‌ها، کوچک‌ترین تنش سیاسی یا اقتصادی در روابط تهران- ابوظبی بلافاصله به معنای مسدود شدن این شریان‌های مالی است. هر تهدید سیاسی از سوی آمریکا یا اسرائیل که از طریق لابی در امارات اعمال شود، می‌تواند به یک «شوک ارزی» لحظه‌ای در بازار آزاد ایران تبدیل شود. نمونه‌اش را در این چندسال اخیر بارها حس کرده‌ایم. آخرینش مربوط به «کودتای تراستی‌هاست» که منجر به بروز حوادث تلخ دی ۱۴۰۴ شد.

افزایش هزینه تراکنش: این شبکه‌ها به دلیل تحمل ریسک جریمه‌های آمریکا (تحریم‌های ثانویه)، کارمزدهای سرسام‌آوری (در برخی موارد تا ۲۰ درصد ارزش مبادله) دریافت می‌کنند که در نهایت به صورت تورم وارد قیمت کالاهای اساسی در ایران می‌شود.

آسیب‌پذیری اطلاعاتی: شواهد نشان می‌دهد که اطلاعات نقل‌وانتقالات مالی از این مسیرها، به دلیل همکاری تنگاتنگ اطلاعاتی امارات با آمریکا و اسرائیل (به ویژه پس از پیمان ابراهیم)، عملا در اختیار طرف مقابل قرار می‌گیرد. این اطلاعات در بزنگاه‌های سیاسی، نه برای فشار حقوقی، بلکه برای اعمال «فشار روانی و شوک آنی» بر بازار ارز ایران استفاده می‌شود.

نتیجه اینکه تا زمانی که ایران موفق به طراحی سیستم پرداخت دوجانبه مستقل با شرکای تجاری (دور زدن دلار و ریال) و بازتعریف زنجیره تامین از مسیرهای جایگزین (مانند بندر چابهار و کریدور شمال- جنوب) نشود، بازار ارز و ثبات اقتصادی آن به یک «سوییچ» حساس در اختیار امارات متصل خواهد ماند. شواهد نشان می‌دهد که امارات صراحتا از منابع مالی و لجستیکی خود به عنوان ابزاری جنگی علیه اقتصاد ایران استفاده می‌کند و سعی دارد از طریق ایجاد «شوک ارزی» هزینه‌های سیاست‌های منطقه‌ای را به رقبای خود تحمیل کند.

لایه دوم: سابقه سیاه مداخلات نظامی و جنایات فرامرزی

امارات در سال‌های اخیر صرفا یک بازیگر اقتصادی نبوده و در پرونده‌های امنیتی متعددی نیز حضور فعال داشته است. این کشور در ۱۰ سال گذشته به طور فعال در هشت کشور منطقه از جمله یمن، لیبی، سودان، سومالی، افغانستان، عراق، سوریه و بحرین وارد منازعه شده است. این رقم برای کشوری با جمعیت بومی کمتر از یک میلیون نفر، آماری بی‌سابقه محسوب می‌شود. حادترین پرونده امارات را باید در سودان و یمن جست‌وجو کرد. براساس گزارش‌های سازمان ملل، اطلاعات آمریکا و سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، امارات نقشی مستقیم در حمایت مالی و تسلیحاتی از نیروهای پشتیبانی سریع (RSF) در سودان داشته است. این حمایت‌ها در جریان جنایات جنگی اخیر در سودان، به ویژه در منطقه دارفور، نقش تسهیل‌کننده داشته و با تلفات گسترده غیرنظامیان همراه بوده است. منابع معتبر از عملیات ۱۰ روزه در یکی از مناطق این کشور خبر می‌دهند که در جریان آن هزاران غیرنظامی جان خود را از دست داده‌اند. این الگو در یمن نیز با حمایت از گروه‌های جدایی‌طلب جنوب و بمباران منظم مناطق مسکونی تکرار شده است. سیاست تهاجمی امارات دارای «شیب تند» بوده؛ از مشارکت محدود در ائتلاف‌های منطقه‌ای در سال ۲۰۱۵ تا رهبری عملیات‌های مستقل و برهم زدن نظم موجود در سال‌های اخیر.

لایه سوم: عادی‌سازی روابط با اسرائیل و تغییر موازنه سیاسی منطقه

امضای توافق‌های موسوم به «پیمان ابراهیم» نقطه عطف مهمی در سیاست منطقه‌ای امارات بود. امارات نخستین کشور عربی بود که سد مقاومت در برابر عادی‌سازی روابط با اسرائیل را شکست و در سال ۲۰۲۰ به طور رسمی این پیمان را امضا کرد. این اقدام، از نگاه حامیانش گامی در جهت توسعه اقتصادی و همکاری امنیتی بود، اما منتقدان آن را شکستن یک اجماع تاریخی عربی (مبتنی بر عدم عادی‌سازی قبل از حل بحران فلسطین) و تقویت موقعیت منطقه‌ای اسرائیل تلقی کردند. آنچه اهمیت دارد این است که امارات نه تنها خود وارد این پیمان شد، بلکه بحرین و مراکش را نیز به این مسیر کشانید و عملا نقش «پیشران عادی‌سازی» را در جهان عرب ایفا کرد. قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان که تا آن زمان شرایط عادی‌سازی را منوط به پیشرفت در روند صلح فلسطین می‌دانستند، عملا توسط امارات دورزده شدند.

لایه چهارم (مفصل): رقابت ژئوپلیتیک؛ نبرد کریدورها و حذف نقش ترانزیتی ایران

در حالی که منازعات نظامی و امنیتی در خلیج فارس سطحی‌ترین لایه رقابت را تشکیل می‌دهد، در عمق استراتژیک، ایران و امارات درگیر «جنگ جایگزینی» (Substitution War) بر سر مسیرهای تجارت جهانی هستند. ایران با تکیه بر موقعیت طبیعی خود (به عنوان پل خشکی بین خلیج فارس، دریای عمان و قفقاز/اروپا) و کریدور شمال- جنوب (INSTC) به رقابت با اماراتی می‌پردازد که با تکیه بر سرمایه و دیپلماسی تهاجمی، به دنبال حذف ایران از نقشه ترانزیت جهانی است.

ابعاد این رقابت عبارتند از:

۱. پروژه کریدور هند- خاورمیانه- اروپا (IMEC): این طرح که در حاشیه نشست G۲۰ سال ۲۰۲۳ با حضور آمریکا، هند، عربستان، امارات و اتحادیه اروپا رونمایی شد، یک معماری دقیق برای دور زدن ایران محسوب می‌شود. مسیر پیشنهادی شامل انتقال کالا از هند به بندر خلیفه (امارات) یا دمام (عربستان) از طریق دریا، سپس عبور از خاک عربستان و اردن (از طریق خطوط ریلی که توسط سرمایه امارات و عربستان احداث می‌شود) و در نهایت از بندر حیفا (اسرائیل) به دریای مدیترانه و اروپا است. این مسیر، شاهراه جاده ابریشم دریایی- خشکی ایران در کریدور شمال- جنوب را کاملا دور می‌زند. **۲. توسعه بنادر رقابتی:** در حالی که ایران در تکمیل بندر چابهار با سرمایه‌گذاری ناچیز و خروج هندی‌ها مواجه است، امارات با سرمایه‌گذاری‌های چندده میلیارد دلاری، بنادر جبل علی، خلیفه و به تازگی بندر فجیره (واقع در دریای عمان و خارج از تنگه هرمز) را به هاب‌های لجستیکی درجه یک جهانی تبدیل کرده است. **۳. مالکیت زنجیره‌ای تامین (Ports as Pressure Points):** شرکت‌های اماراتی (مانند DP World) نه تنها در خاک امارات، بلکه در بنادر لندن، بمبئی و حتی بندر بربرا در سومالی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این استراتژی به امارات اجازه می‌دهد تا تعرفه‌گذاری و اولویت تخلیه کالا در بنادر کلیدی جهان را تحت تاثیر قرار دهد و هزینه تمام شده کالا برای ایران را افزایش دهد.

سناریوی تحقق تهدید (Worst Case):

اگر کریدور IMEC عملیاتی شود و ایران نتواند کریدور شمال- جنوب را به سرانجام برساند، کشور با پدیده «انزوای لجستیکی» مواجه خواهد شد:

اقتصادی: نفت و گاز و محصولات پتروشیمی ایران که هنوز مشتری اروپایی دارد، به دلیل قیمت بالاتر حمل و نقل نسبت به مسیرهای جایگزین و نزدیک‌تر امارات- اسرائیلی، از بازار خارج می‌شود.

ژئوپلیتیک: قدرت چانه‌زنی ایران در مذاکرات با غرب مسدود خواهد شد، چراکه دیگر «دروازه آسیا به اروپا» نخواهد بود.

بررسی یک پارادوکس (زیرلایه چهارم): نکته جالب اینکه امارات از نظر موفقیت در این رقابت، به شدت به «دور زدن تنگه هرمز» وابسته است. به همین دلیل است که امارات به یکی از سرسخت‌ترین مخالفان تهدید ایران به بستن تنگه هرمز تبدیل شده است و به طور موازی ساخت زیرساخت‌های جایگزین (بندر فجیره و خط لوله نفتی ابوظبی به فجیره) را تکمیل کرده تا در صورت بروز تنش، حساسیت استراتژیک خود را کاهش دهد.

نتیجه لایه چهارم: رقابت ایران و امارات در بستر کریدورها یک بازی «جمع صفر» نیست، بلکه یک مسابقه مرگبار برای بقای اقتصادی است. امارات در این مسابقه با اتکا به میلیاردها دلار سرمایه خارجی و حمایت سیاسی واشنگتن، راه‌حل‌های «جایگزینی» (Substitution) ارائه می‌دهد، در حالی که ایران راه‌حل «اتصال» را (Integration) ارائه می‌دهد.

لایه پنجم: همکاری امنیتی با آمریکا و غرب

امارات طی سال‌های گذشته روابط امنیتی و نظامی گسترده‌ای با آمریکا توسعه داده است. گزارش‌های معتبر حاکی از آن است که بندر فجیره در نزدیکی تنگه هرمز به یک پایگاه لجستیکی برای ناوگان آمریکایی تبدیل شده و حضور غیرعلنی سامانه‌های راداری و نظارتی نیز در خاک امارات گسترش یافته است. همچنین امارات به میزبان «تراستی‌ها» و افرادی تبدیل شده که به دنبال پناهگاهی امن برای فعالیت‌های مالی و اطلاعاتی خود هستند. هدف اصلی امارات از میزبانی این افراد، صرفا سودآوری اقتصادی نبوده، بلکه تامین بستری برای تبادل اطلاعات با آمریکا در چارچوب رقابت‌های اطلاعاتی منطقه‌ای بوده است. از منظر تهران، این وضعیت باعث شده امارات صرفا یک همسایه اقتصادی نباشد، بلکه بخشی از معماری امنیتی رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران تلقی شود.

جمع‌بندی راهبردی

امارات امروز فقط یک بازیگر کوچک حاشیه خلیج فارس نیست. رفتار این کشور در دهه اخیر، نشان‌دهنده تغییر ماهیت آن از یک بازیگر توسعه‌گرا و تجاری به یک بازیگر امنیتی ماجراجو، رادیکال و بی‌ثبات‌کننده است. این کشور توانسته همزمان در حوزه‌های مالی، امنیتی، ژئوپلیتیک و دیپلماتیک نقش‌آفرینی کند و خود را در صف اول بازیگرانی قرار دهد که منافع خود را در بحران‌آفرینی تعریف می‌کنند. از یک سو، بخشی از گره‌های مالی و ارزی ایران به ساختارهای اقتصادی امارات گره خورده است؛ از سوی دیگر، همکاری امنیتی نزدیک با آمریکا و اسرائیل، مداخله در هشت کشور منطقه و نقش پیشران در عادی‌سازی روابط با اسرائیل، جایگاه این کشور را در محاسبات راهبردی ایران فراتر از یک همسایه عادی قرار داده است. تعدد و تنوع تهدیداتی که امارات علیه ایران طراحی کرده - از موج اقتصادی و تهدیدات موشکی گرفته تا عملیات اطلاعاتی و جنگ رسانه‌ای - به طور متناقضی باعث افزایش آسیب‌پذیری خود امارات شده و امروز این کشور از هر کشور دیگری هدف بزرگ‌تری برای ایران ساخته است. نتیجه آنکه هرگونه تحلیل از منازعات اخیر در خلیج فارس، به ویژه تنش‌های نظامی و اقتصادی میان ایران و آمریکا، بدون در نظر گرفتن نقش چندوجهی، رادیکال و مناقشه‌برانگیز امارات، تحلیلی ناقص خواهد بود. در مواجهه با چنین بازیگری، صرفا پاسخ‌های مقطعی و تدافعی کافی نیست؛ باید هزینه مداخله‌گری را چنان تعریف کرد که آخرین پوست‌اندازی امارات، واپسین تغییر استراتژی آن پیش از بازگشت به عقلانیت و احترام به حاکمیت کشورهای منطقه باشد. ثبات پایدار در غرب آسیا بدون مهار بازیگرانی که منافع خود را در بی‌ثباتی تعریف می‌کنند، امکان‌پذیر نخواهد بود و امارات در سال‌های اخیر خود را در صف اول این بازیگران قرار داده است.



حاجی‌میرزایی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور:

بی‌مهری‌ها، پیوند لاریجانی با رهبری و انقلاب را سست نکرد

گزارش تحلیلی «آگاه» درباره رویکرد دشمن متجاوز در قبال ایران را بخوانید

جنگ اقتصادی آمریکا و راهکارهای ۱۱ گانه

از آنجا که آمریکا و رژیم آپارتاید اسرائیل در سناریوی سقوط نظام سیاسی ایران شکست خورده‌اند بنا به تحلیل و نظر صاحب نظران و کارشناسان، جنگ اقتصادی را بار دیگر به صورت جدی در دستور کار قرار داده‌اند تا از این طریق بتوانند شکست‌های خود در جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه را جبران کنند، البته می‌دانستند با تهاجم نظامی راه به جایی نخواهند برد.

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در مصاحبه ای با برنامه «۶۰ دقیقه» شبکه آمریکایی «سی بی اس» با تکذیب گزارش‌های منتشر شده در خصوص اقداماتش در خصوص ساده بودن جنگ با ایران گفت: هم من و هم ترامپ می دانستیم با اقدامات نظامی، امکان سقوط ایران قطعی نیست.

طبق گزارش نیویورک نخست وزیر رژیم صهیونی، صبح روز ۱۱ فوریه (۲۲ بهمن) وارد دفتر کار ترامپ شد و مصمم بود رئیس جمهور آمریکا را در مسیر جنگ نگه دارد. هفته‌ها بود که ایالات متحده و اسرائیل، مخفیانه درباره حمله نظامی علیه ایران بحث می‌کردند. اما مقامات دولت ترامپ اخیرا مذاکره با ایرانی‌ها را در خصوص آینده برنامه هسته‌ای آنها آغاز کرده بودند و نتانیاهو می‌خواست مطمئن شود که تلاش دیپلماتیک جدید برنامه‌های جنگ را تضعیف نمی‌کند. با این حال بنیامین نتانیاهو در گفت‌وگو با شبکه سی بی‌اس، این گزارش را تکذیب کرد. این اولین واکنش او به این گزارش بعد از گذشت ۷۰ روز است. نخست‌وزیر کودک‌کش رژیم صهیونیستی تاکید کرد: هم او و هم ترامپ توافق داشتند که عدم قطعیت و ریسک قابل توجهی در اقدام نظامی برای سقوط حکومت ایران وجود دارد. در حالی که ترامپ و نتانیاهو، این موضوع را یکی از اهداف جنگ، تعریف کرده بودند. گیدعون سعر، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی نیز دو هفته پیش در اظهاراتی متناقض با نتانیاهو مدعی شده بود که سرنگونی ایران هیچ وقت از اهداف جنگ با ایران نبوده است.

هزینه‌های جنگ آمریکا علیه ایران از ۷۷ میلیارد دلار فراتر رفت

آمریکا و صهیونیست‌ها، هرچند در جنگ نظامی به هیچ یک از اهداف‌شان دست نیافته‌اند اما دشمنی و کینه شتری آنها علیه ایران و ایرانیان استمرار دارد و به سادگی صحنه تقابل و درگیری را ترک نمی‌کنند، میدان مبارزه را تغییر می‌دهند به دلیل آنکه جنگ ۴۰ روزه حسابی آمریکا را از لحاظ اقتصادی در فشار قرار داده است. هزینه‌های جنگ‌افروزی نظامی آمریکا علیه ایران تا روز ۷۱ خود از مرز ۷۷ میلیارد دلار فراتر رفته است. این در حالی است که واشنگتن متحمل خسارات سنگینی به پرسنل، تجهیزات، کشتی‌های مستقر در منطقه و سایر هزینه‌های مرتبط شده است. بر اساس داده‌های وب سایت «ردیابی هزینه‌های جنگ ایران»، هزینه‌های جنگ نظامی آمریکا علیه ایران تا روز ۷۱ خود از مرز ۷۷ میلیارد دلار فراتر رفته است. این وب سایت داده‌ها را به صورت لحظه‌ای به روزرسانی می‌کند و هزینه‌های لازم برای نگهداری پرسنل، کشتی‌های مستقر در منطقه و سایر هزینه‌های مرتبط را محاسبه می‌کند. روش محاسبه بر اساس گزارشی است که وزارت دفاع آمریکا «پنتاگون» به کنگره ارائه کرده است، که نشان می‌دهد سه روز اول بالغ بر ۱۱.۳ میلیارد دلار هزینه داشته است، این گزارش در ارزیابی خود تصریح کرد که هزینه‌های روزهای بعد به عدد یک میلیارد دلار در روز می‌رسد.

جولز هرست، معاون وزیر دفاع و کنترل‌کننده مالی، در پایان آوریل گذشته در کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان مدعی شد: هزینه‌های آمریکا در جنگ علیه ایران به حدود ۲۵ میلیارد دلار رسیده است. با این حال، رسانه‌های آمریکایی روز بعد، به نقل از منابع آگاه، گزارش دادند که مبلغ ذکر شده شامل هزینه‌های بازسازی تاسیسات نظامی آمریکا و جایگزینی تجهیزات آسیب‌دیده نمی‌شود. آنها تصریح کردند که هزینه‌های واقعی تقریبا دو برابر این رقم بوده است. حال یکی از اهداف و سناریوهای دشمن، از سرگیری جنگ اقتصادی علیه ایران است. برای آنکه بتوانیم متجاوزان را در جنگ اقتصادی همانند جنگ نظامی آچمز کنیم چه باید کرد؟ به عبارت دیگر راهکار چیست؟

سعدالله زارعی، کارشناس مسائل منطقه و روزنامه نگار پیش از این در یادداشتی به پرسش مطرح شده پاسخ داد و با بیان اینکه راه حل ما در جنگ اقتصادی دشمن، ضربه زدن به دشمنی است که در حوزه اقتصادی و تجاری علیه ما آرایش جنگی گرفته است، نوشت: «دشمن از ظرفیت‌های سیاسی و... برای مدیریت جنگ اقتصادی علیه ما استفاده می‌کند و در نهایت در تلاش است تا با جنگ روانی که موفقیت آن وابسته به همکاری بعضی نیروها با آمریکا در داخل ایران است، طرح خود را به نتیجه برساند. ما باید حرکت دشمن را متوقف کنیم. در اینجا سوال این است که متقابلا ما چه ظرفیت‌هایی برای متوقف کردن جنگ اقتصادی دشمن داریم؟ ما سه ظرفیت داریم، ظرفیت ضربه اقتصادی، ظرفیت ضربه نظامی و ظرفیت عملیات روانی.

در ضربه اقتصادی به دشمن، دست ما باز است؛ وابستگان و به تعبیری انبارداران نفت آمریکا در منطقه شامل عربستان و امارات به شدت وابسته به دو چیز هستند؛ یکی نفت و دیگری برج‌های به ظاهر با عظمت شیشه‌ای که به خصوص در اطراف سواحل خلیج‌فارس و دریای سرخ ساخته شده‌اند. ضربه زدن به اقتصاد ایران از طریق مانع‌تراشی بر سر راه تجارت ایران بدون شک در خود این منطقه و با حضور مقامات آمریکایی و انگلیسی بسته و اجرایی و تحکیم می‌شود. کافی است که ما اظهارات مقامات سعودی و اماراتی را بعد از هر تحریم جدید آمریکا علیه ایران مرور کنیم تا دریابیم که این تصمیمات در ریاض و ابوظبی پخت و پز شده‌اند.

سوال این است که چرا ایران اجازه می‌دهد وضع اقتصادی تجاری این دو کشور در منطقه عادی باشد؟ مگر وضع ما که هیچ جرمی هم علیه آنان مرتکب نشده‌ایم بلکه حوادث سهمگینی مثل کشتار حاجیان خود در منا را تحمل کرده‌ایم، عادی است که وضع آنان که ده‌ها جرم علیه ما مرتکب شده‌اند، عادی باشد؟ ما حتما باید به ظرفیت صادرات نفت این دو کشور که شریان حیات آنان است، ضربه اساسی بزنیم و این کار را می‌توانیم در اقیانوس هند و دریای سرخ انجام دهیم. این چیزی نیست که به جنگ منتهی شود، چنین اقدامی به طور قطع سران سعودی و امارات را به سمت صلح با ایران سوق می‌دهد چرا که آنان نه خود قادر به درگیری نظامی با ایران هستند و نه آمریکا حتی در صورت درگیر شدن ایران با سعودی، اراده‌ای برای درگیر شدن با ایران دارد. این یک راه‌حل شدنی و بی‌خطر است هرچند بعضی این را مقدمه جنگ به حساب می‌آورند. این دسته باید سری به تئوری های رایج نظام بین الملل بزنند و نیز تجربه آمریکا و شوروی در دورانی که جهان بین این دو تقسیم شده بود به خصوص ماجرای بحران موشکی ۱۹۶۲ کوبا را مرور نمایند.»

جنگ اقتصادی آمریکا و راهکارهای ۱۱ گانه

نکته دیگر که باید مورد اهمیت قرار گیرد این است که برای شکست دادن این نوع جنگ، نمی‌توان تنها به اقدامات دولت تکیه کرد، بلکه یک «جنگ همه‌جانبه» در لایه‌های مختلف نیاز است.

- سطح کلان و استراتژیک (نقش دولت و سیاست‌گذاری): دولت باید از حالت «واکنشی» به حالت «پیش‌دستانه» تغییر وضعیت دهد.
- تنوع بخشی به بازارهای صادراتی و وارداتی (شکستن انزوا): اگر دشمن سعی می کند مسیرهای مالی و تجاری شما را ببندد، باید مسیرهای جایگزین ایجاد شود. تقویت روابط با کشورهای همسایه، بلوک های قدرت جدید و استفاده از سیستم های پرداخت غیر از دلار، از حیاتی‌ترین اقدامات برای دورزدن تحریم‌هاست.
- کاهش وابستگی به اقتصادهای تک محصولی: تکیه بر نفت یا یک کالای خاص، بزرگ‌ترین نقطه ضعف در جنگ اقتصادی است. دولت باید با هر تلاشی، اقتصاد را به سمت صنایع تولیدی، کشاورزی و خدمات سوق دهد تا در صورت قطع جریان یک منبع، اقتصاد دچار فروپاشی نشود.
- تقویت «اقتصاد مقاومتی» و خودکفایی در کالاهای استراتژیک: تولید داخلی در حوزه‌هایی مثل دارو، قطعات صنعتی، مواد غذایی و تکنولوژی های کلیدی، یعنی کاهش «اهرم فشار» دشمن. هر چقدر وابستگی ما به واردات کمتر باشد، قدرت دشمن برای فشار بر ما کمتر خواهد بود.
- شفافیت و اصلاح ساختارهای مالی: جنگ اقتصادی معمولا با ایجاد فساد و خروج سرمایه همراه است. ایجاد شفافیت در مدیریت منابع، جلوگیری از هدررفت بودجه و اصلاح ساختارهای مالیاتی، باعث می‌شود منابع کشور در مسیر درست (تولید) قرار گیرد.
- تمرکز بر اقتصاد دانش‌بنیان: دشمن تلاش می‌کند دسترسی‌ها را به تکنولوژی‌های پیشرفته قطع کند. تنها راه مقابله، تولید دانش بومی و حمایت از استارتاپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان است. اگر ما بتوانیم خودمان تکنولوژی را تقویت کنیم، تحریم‌ها معنایی نخواهند داشت.
- دیجیتالی کردن اقتصاد: توسعه زیرساخت‌های مالی دیجیتال، ارزهای دیجیتال (در چارچوب‌های قانونی) و سیستم‌های پرداخت الکترونیک، می‌تواند راه را برای عبور از سیستم‌های مالی تحت کنترل دشمن هموار کند.
- سطح خرد و اجتماعی (نقش مردم و فرهنگ اقتصادی): این بخش، شاید مهم‌ترین و در عین حال حساس‌ترین بخش محسوب می‌شود، زیرا دشمن در این سطح به دنبال «شکست روانی» است.
- مبارزه با جنگ روانی و اخبار جعلی: دشمن از طریق شبکه های اجتماعی سعی می کند «بی‌اعتمادی» را در میان مردم نسبت به آینده کشور ایجاد کند. شکست در جنگ اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که مردم از اقتصاد خود ناامید شده و به دنبال خروج یا فروپاشی باشند. آموزش تفکر انتقادی و مقابله با شایعات، یک دفاع ملی است.
- ترویج فرهنگ تولید و مصرف درست: تغییر فرهنگ از «مصرف‌گرایی افراطی» به «تولید‌گرایی و مدیریت مصرف»، باعث حفظ ذخایر ارزی و تقویت تولید داخلی می‌شود. حمایت از محصولات داخلی، نه فقط به عنوان یک شعار، بلکه به عنوان یک مسئولیت اجتماعی، بسیار موثر است.
- افزایش اعتماد اجتماعی: اگر مردم و دولت در یک هدف مشترک (رشد اقتصادی) با هم متحد باشند، فشارها بسیار کمتر احساس می‌شود. شکاف میان طبقات اجتماعی و بی‌عدالتی، بزرگ‌ترین سوخت برای آتش جنگ اقتصادی دشمن است.

پس می‌توان در جمع بندی تاکید کرد که جنگ اقتصادی دشمن بر پایه دو اصل بنا شده است: «کمبود» و «ناامیدی».

بهره سخن

۱- برای مقابله با کمبود: باید تولید را جایگزین مصرف کنیم و منابع را متنوع سازیم.

۲- برای مقابله با ناامیدی: باید عدالت اجتماعی را تقویت کنیم و با شفافیت و امیدآفرینی، اعتماد عمومی را بازسازی کنیم.

شکست دادن این جنگ، تنها با «تحریم‌ستیزی» ممکن نیست، بلکه با «ساختن جایگزین‌های کارآمد» ممکن است. دشمن می‌خواهد ما را در بن‌بست نگه دارد، اما راه خروج، از مسیر «تولید، دانش و اتحاد اجتماعی» می‌گذرد.



پیشنهادهایی برای عبور از جنگ نوین اقتصادی آمریکا



محمد رضا پورابراهیمی
آگاه مسائل سیاسی و اقتصادی

آمریکایی ها به رغم اینکه برخی زیرساخت های کشور را مورد هدف قرار دادند، اما وقتی دیدند از طریق نظامی به نتیجه نمی رسند و جمهوری اسلامی ایران با عمل متقابل در برابر تجاوزات نظامی آنها، سقوط نخواهد کرد و شرایط اقتصادی منطقه را سخت می‌کند، دشمن آمریکایی وارد فاز جدیدی شد و آن، جنگ اقتصادی نوین علاوه بر تحریم‌ها و اقداماتی است که تاکنون علیه ایران انجام داده‌اند. در همین رابطه رئیس جمهور آمریکا می‌گفت در جنگ اقتصادی علیه ایران با هزینه کمتری به نتیجه خواهیم رسید، این رویکرد نشان می‌دهد به رغم اینکه احتمال حمله نظامی دوباره به جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، ولی آمریکا از مسیر نظامی تا حدی فاصله گرفته است. البته با حمله دوباره به ایران، هزینه‌های سنگینی به آمریکا وارد خواهد شد و قطعا نتیجه نمی‌گیرند.

آمریکا همه ظرفیت‌های لازم برای فشارهای اقتصادی را به کار گرفت و از دولت باراک اوباما تحریم‌های هوشمندانه و سنگینی علیه جمهوری اسلامی ایران وارد شد، چرا که طبق پیش بینی ریچارد نفیو که طراح تحریم‌های ایران در دولت اوباما بود، جمهوری اسلامی ایران با تحریم‌های اعمال شده در مدت ۶ ماه سقوط خواهد کرد! با گذشت سال‌ها از این طرح، هرچند برخی چالش‌ها در حوزه اقتصاد برای کشور ایجاد شد، اما مشخص است که آمریکایی‌ها به اهداف مدنظر خود، نرسیدند. در ادامه هم در دولت اول ترامپ تحریم‌های شدیدی علیه کشورمان اعمال کردند، اما اقتصاد ایران با شرایط تحریمی منطبق شد و پیش رفت. هم‌اکنون پیرامون جنگ نوین اقتصادی که آمریکایی‌ها در دستور کار دارند باید چند مؤلفه مورد توجه قرار گیرد؛ این جنگ جدید به این مفهوم است که شکست ایران از طریق نظامی امکان‌پذیر نیست و آخرین تیر و تلاش آنها از طریق اقتصادی است. در حال حاضر مدیریت هوشمند ایران بر تنگه هرمز سبب شده که آمریکا ابتدا در پی باز کردن این تنگه باشد، اما سیاست جنگ نوین اقتصادی را هم پیگیری می‌کند که نشانه استیصال و تشدد آرا در نگاه آمریکایی‌ها به ایران است.

چه باید کرد؟ نخستین قدم در شرایط تحمیلی آمریکا در حوزه اقتصاد این است که مردم را درباره وضعیت اقتصادی کشور در جریان قرار دهیم. بخشی از اقتصاد ایران در گذشته به دلیل سوء مدیریت‌های داخلی و تحریم‌های خارجی، با شاخص‌های مناسبی روبه‌رو نبوده است و در تاریخ اقتصاد- پیش از انقلاب- و پس از انقلاب کشور سابقه نداشته که در هشت سال پیاپی، میانگین نرخ تورم حدود ۴۰ درصد شود. طبق فرمایش امام شهید انقلاب اسلامی، مردم باید در عرصه اقتصادی مشارکت کنند، ضمن آنکه بهترین زمان برای انجام اصلاحات اقتصادی همین دوره فعلی است تا تصمیمات مهم اقتصادی را انجام دهیم. چراکه هرزمان که قرار به انجام اصلاحات اقتصادی بود، به بهانه‌های مختلف از انجام آن سر باز زدیم. اما در شرایط جنگی، دولت اختیارات لازم را برای انجام اصلاحات دارد و بروکراسی اداری، تشریفات و اقدامات دست و پاگیر کنار رفته‌اند. بر همین اساس در این زمان باید تصمیمات مهم برای افزایش مشارکت مردم در حوزه اقتصاد گرفته شود.

دیگر آنکه، دولت برنامه اصلاح ساختار اقتصادی را در شرایط نه جنگ و نه صلح و پساجنگ زودتر تدوین کند و رئیس جمهور با اخذ مجوز از رهبر انقلاب و شورای عالی امنیت ملی، اصلاحات ساختاری در اقتصاد را انجام دهد. محور پایه اصلاح ساختار اقتصادی هم باید در زمینه کاهش سهم دولت در اقتصاد، حضور مردم در مدیریت اقتصاد و اداره بنگاه‌های اقتصادی باشد.

دولتی‌ها درباره مذاکرات، گرانی‌ها و معیشت مردم چه گفتند؟

تکمیل پیروزی نیروهای مسلح در عرصه دیپلماسی

پایگاه اطلاع‌رسانی رئیس جمهور دیروز خبر از حضور رئیس جمهور در نشست با فرمانده کل و جمعی از فرماندهان ارشد فراجا داد. در آن دیدار مسعود پزشکیان ضمن دریافت گزارشی از عملکرد این نیرو در جریان جنگ تحمیلی اخیر، بر ضرورت تقویت ساختاری، تجهیزاتی و توسعه نقش مردم‌پایه فراجا در تامین امنیت داخلی کشور تاکید کرد.

پزشکیان در سخنانی با اشاره به رویکرد دولت در حوزه حکمرانی محله‌محور، اظهار کرد: فراجا می‌تواند در این الگو نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای ایفا کند و با مشارکت دادن مردم در فرآیند تامین امنیت، امنیت را به صورت مردم‌پایه و محله‌محور سازماندهی کند. استفاده از ظرفیت‌های مردمی، سرمایه اجتماعی و مشارکت فعال شهروندان در حوزه امنیت عمومی، می‌تواند علاوه بر ارتقای ضریب امنیت، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی را نیز تقویت کند.

رئیس جمهور با بیان اینکه در مسئله امنیت داخلی، اقدامات پیشگیرانه باید بر برخوردهای سلبی و واکنشی اولویت داشته باشد، افزود: در چارچوب حکمرانی محله‌محور، پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی باید از متن محلات آغاز شود و سپس با نظام مراقبت، نظارت و پشتیبانی، فراجا نقش تسهیلگر، هماهنگ‌کننده و پشتیبان را ایفا کند. پزشکیان با اشاره به شرایط کشور در مقابله با متجاوزان و نقش ملت ایران و نیروهای مسلح در ناکام گذاشتن دشمن، خاطرنشان کرد: ملت بزرگ ایران و نیروهای مسلح مقتدر کشور توانستند با ایستادگی و اقتدار، دشمن را در دستیابی به اهداف خود ناکام گذاشته و او را وادار



به پذیرش آتش بس و توقف جنگ کنند. وی درباره مسیرهای پیش روی کشور، افزود: اکنون گزینه‌های مختلفی پیش روی ما قرار دارد؛ یا با عزت، اقتدار و حفظ منافع ملی وارد مذاکره شویم و حقوق ملت ایران را احقاق کنیم، یا در وضعیت نه جنگ و نه صلح باقی بمانیم یا مسیر جنگ و تقابل را ادامه دهیم. ترجیح عقلانی، منطقی و مبتنی بر منافع ملی این است که پیروزی به دست آمده توسط نیروهای مسلح در میدان نبرد، در عرصه دیپلماسی نیز تکمیل و حقوق ملت ایران از موضع عزت و اقتدار تثبیت شود.

رئیس جمهور با استناد به کلام نورانی حضرت امیرالمومنین علی(ع) در نهج البلاغه اظهار کرد: امیرالمومنین (ع) می فرمایند اگر دشمن تو را به صلح دعوت کرد، آن را رد نکن؛ اما پس از صلح نیز از دشمن غافل نشو و هرگز با خوش بینی به او نگاه نکن و به او اعتماد نداشته باش. جمهوری اسلامی ایران نیز بر همین مبنا، ضمن بی‌اعتمادی به دشمن، مذاکره را از موضع عزت، حکمت و مصلحت ممکن می داند و چنانچه توافقی با در نظر گرفتن دغدغه‌های رهبر انقلاب و مصالح ملت ایران حاصل شود، بر عهد و تعهدات خود پایبند خواهد بود.

دیروز فقط تحرکات و موضع‌گیری دولتی‌ها محدود به رئیس قوه مجریه نشد؛ محمدرضا عارف، معاون اول او در جلسه کارگروه بنزین تصریح کرد که معیشت مردم خط قرمز دولت است. وزیر دادگستری هم در دیدار با کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس با تاکید بر شدت عمل و برخورد قاطع با گرانفروشان و محتکران، گفت: سازمان تعزیرات به عنوان دستگاه رسیدگی به تخلفات بازار با جدیت در حوزه وظایف و اختیارات خود در خصوص گزارش دستگاه های گزارش دهنده و شکایات مردم در رسیدگی به تخلفات این حوزه اقدام می‌کند.

همچنین معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور در گفت‌وگو با خبرگزاری «مهر»، با اشاره به وجود عده‌ای سودجو در شرایط جنگی، گفت: یک بحثی ما با آن مواجه هستیم و آن بحث گرانفروشی یا گران‌نمایی است که این پدیده باید فکری جدی برای آن صورت گیرد؛ این امر ازدل احتکار و سودجویی برمی‌آید، چرا که متاسفانه همیشه عده‌ای وجود دارند که در دوره‌های اقتصادی نابسامان شده، خواسته‌اند از آب گل آلود ماهی بگیرند و درصدد افزایش دارایی خود بودند و از مردم ضعیف‌تر بهره بیشتری خواستند بگیرند؛ لذا حتما دولت با این امر، در کنار همراهی قوه قضاییه و سایر دستگاه‌ها، بناست در حقیقت برخورد کند و این کار حتما انجام خواهد شد. سیدمحمدمهدی طباطبایی تاکید کرد: در عین حال، یک بخش ماجرا اینجاست و بخش دیگر ماجرا تدابیری است که در جهت کنترل تورم به شکل جدی در حال انجام است و دستگاه‌هایی در دولت در حوزه اقتصاد در تلاش هستند. در این رابطه، یک کارگروهی است که تقریبا هر روز با بانک مرکزی تشکیل جلسه می دهد و تمام تلاش خود را می کند تا در حد ممکن، بیشترین مقابله را با بحث تورم داشته باشد و ان شاءالله شرایط کشور عادی شود و ما در همه حوزه‌ها ان شاءالله گشایش خواهیم داشت! باید گفت شرایطی که امروز با آن مواجه هستیم و همه مسئولین بدون غفلت از آن نسبت به افزایش قیمت‌ها و تورم، اطلاع دارند و ان شاءالله بخش عمده آن با عبور از این وضعیت جبران خواهد شد.

معاون ارتباطات دفتر رئیس جمهور در خصوص تعیین دو وزیر وزارتخانه اطلاعات و دفاع که با سرپرست اداره می‌شوند، نیز گفت: این دو وزارتخانه حتما در مدت قانونی خودشان تعیین تکلیف خواهند شد و وضعیت جنگی را در این خصوص لحاظ کردیم، چرا که به خاطر شرایط امنیتی که وجود دارد، مجلس نمی‌تواند تشکیل جلسه دهد، در حالی که مسیر تعیین صلاحیت وزرا، مجلس است. در عین حال که باید گفت هنوز دو وزیر مشخص نشده‌اند و در حال بررسی است.



عبدالرضا رحمانی‌فضلی، سفیر ایران در چین:
ایران از طرح چهارماده‌ای چین برای امنیت خلیج فارس حمایت می‌کند

سه شنبـه/ ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵/ شماره ۵۴۰

نبرد نامتقارن حزب‌الله، صهیونیست‌ها را به ستوه آورده است
اف‌پی‌وی‌ها، بلای جان اشغالگران

از زمان از سرگیری جنگ در لبنان، ارتش اشغالگر و متجاوز رژیم صهیونیستی با چالش پیچیده‌ای به نام کوادکوپترهای انفجاری حزب‌الله یا همان اف‌پی‌وی‌ها روبه‌رو است که تاکنون ده‌ها نظامی صهیونیست را در جنوب لبنان به هلاکت رسانده یا مجروح ساخته است.



به گزارش «آگاه»، چند روز پیش، شبکه ۱۲ رژیم اسرائیل گزارش داد که ارتش این رژیم در تلاش است تا با پدیده کوادکوپترهای انفجاری مقابله کند اما این مسئله‌ای پیچیده است که کاملا با موشک‌های ضدزره یا رویارویی مستقیم با نیروهای حزب‌الله متفاوت است. این شبکه عبری افزود که ارتش اسرائیل به دشواری‌های مقابله با این پرنده‌های انفجاری اذعان دارد و این دشواری تنها به رهگیری آن محدود نمی‌شود بلکه تشخیص و رصد زودهنگام کوادکوپترها خود بخش بزرگی از این مشکل است. این رسانه تصریح کرد که حزب‌الله می‌داند که این پهپادهای انفجاری سلاحی موثر هستند و به همین دلیل از آنها به طور گسترده به ویژه علیه نظامیان صهیونیست مستقر در جنوب لبنان استفاده می‌کند. این تهدید اغلب متوجه خودروهای زرهی ارتش اسرائیل است، نه فقط خود سربازان. حزب‌الله ماه‌هاست که برای توسعه و بهبود این پهپادها تلاش می‌کند و این تلاش اخیرا شدت گرفته است.

رسانه‌های عبری چند شب پیش اعلام کردند حزب‌الله برای نخستین بار کوادکوپتر انفجاری یا همان اف‌پی‌وی را به سمت شهرک کریات شمونه در شمال اراضی اشغالی پرتاب کرده است. وب‌سایت اسرائیلی گلوبز در این باره نوشت: پهپادهای FPV حزب‌الله که بهای هریک از آنها تنها حدود ۵۰۰ دلار است، به‌صورت روزانه در لبنان به سمت تانک‌ها، نفربرها و تجهیزات مهندسی اسرائیل شلیک می‌شوند. اما راز اینکه این پهپادها به هدف برخورد می‌کنند و امکان اختلال در مسیر آنها وجود ندارد، استفاده از کابل‌های فیبرنوری در آنهاست. گلوبز می‌نویسد: چالش اصلی این است که این سلاح‌ها به یک کابل فیبر نوری متصلند که آنها را در برابر رهگیری از طریق اخلال در ارتباطات، به طور کامل مصون می‌کند. کارشناسان صهیونیست هشدار می‌دهند: سهولت ساخت و به کارگیری این سلاح نشان می‌دهد که به‌زودی به طور گسترده در میدان نبرد رواج خواهد یافت.

رسانه‌های عبری گزارش می‌دهند که حملات پهپادی حزب‌الله لبنان خسارات قابل توجهی به ارتش متجاوز رژیم اسرائیل وارد کرده و نیروهای این رژیم در شمال سرزمین های اشغالی با کمبود راهکار دفاعی موثر مواجه هستند. لیلاخ شووال، خبرنگار نظامی رسانه صهیونیستی یسرائیل هیوم درباره بحران و تنگنایی که رژیم صهیونیستی در لبنان گرفتار آن شده صحبت کرد و گفت: حزب‌الله پهپادهای حامل مواد منفجره را به سمت سربازان اسرائیلی پرتاب می‌کند بدون اینکه ارتش، راه حل دفاعی مناسبی داشته باشد. وی گفت: تبادل آتش شدید در جنوب لبنان ادامه دارد، در حالی که ارتش اسرائیل با دستان بسته عمل می‌کند؛ سربازان صهیونیست در مناطق شمال گزارش می دهند که وقتی ناگهان این پهپادهای کوچک را بدون هیچ هشداری در بالای سر خود می‌بینند، احساس درماندگی می‌کنند. راه‌حل‌های ارائه شده توسط ارتش اسرائیل در این مرحله پاسخ مناسبی ارائه نمی‌دهد. در واقع عملیات ارتش نه بر نبرد تاثیری داشته و نه برانگیزه نیروهای حزب‌الله برای ادامه درگیری با سربازان اسرائیلی و نه بر توانایی آنها برای انجام این کار. این خبرنگار حوزه نظامی ادامه داد: تعدادی از سربازان صهیونیست در روزهای اخیر بر اثر حملات پهپادها مجروح شده‌اند. تنها در هفته گذشته، ۹ سرباز در حوادثی در شمال مجروح شدند که سه نفر از آنها در شرایط وخیمی در بیمارستان بستری شدند. درگیری مداوم در مناطق شمال و فقدان راه‌حل برای ساکنان آن، نگرانی‌ها را مبنی بر اینکه بسیاری از آنها این منطقه را ترک کنند یا برنگردند، افزایش می‌دهد.

لیلاخ شووال، با اشاره به مناطق شمالی اراضی اشغالی تاکید کرد: منطقه شمال در حال سوختن است. در حالی که کل اسرائیل به زندگی عادی بازگشته است، اما موشک‌ها و پهپادها همچنان بخشی از زندگی روزمره ساکنان شمال است. شمال در حال فروپاشی تحت تاثیر حس رهاشدگی است زیرا صاحبان مشاغل برای زنده ماندن تلاش می‌کنند، شهرک نشینان در وضعیت عدم اطمینان بی‌پایان زندگی می‌کنند، کودکان در ترس بزرگ می‌شوند و کل جمعیت احساس می‌کنند دولت به سادگی آنها را رها کرده است. طی هفته های اخیر با ادامه نقض آتش بس توسط رژیم صهیونیستی و تشدید تجاوزاتش علیه لبنان، حزب‌الله با حملات پهپادی گسترده به این نقض‌ها پاسخ داده است. پهپادهای انتحاری حزب‌الله به معضلی برای ارتش رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. رسانه‌های عبری بارها به ناتوانی ارتش اسرائیل در رهگیری این پهپادها اذعان کرده‌اند.

حمله پهپادی حزب‌الله، اعتبار گنبد آهنین را از بین برد

روزنامه صهیونیستی معاریو اذعان کرد حمله پهپادی اخیر حزب‌الله به سکوی سامانه ضد موشکی گنبد آهنین، ضربه بسیار سختی به اعتبار این سامانه محسوب می شود. معاریو با اشاره به اینکه گنبد آهنین نتوانست پهپاد را از قبل شناسایی کرده و آن را رهگیری کند، تاکید کرد، این واقعیت که آسیب جدی به آتشبار وارد شده، شدت آسیب به سامانه دفاع هوایی را افزایش می‌دهد.

این روزنامه در ادامه نوشت، در ویدیویی که حزب‌الله منتشر کرده، یک پهپاد انتحاری، پس از نقض حریم هوایی اسرائیل، سامانه پدافندی را هدف قرار می‌دهد و سربازان هم در نزدیکی آن بدون هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای ایستاده‌اند.

به گزارش معاریو، حزب‌الله به تازگی، نه تنها در داخل خاک لبنان، بلکه در داخل فلسطین اشغالی هم اهداف نظامی صهیونیست ها را هدف قرار می دهد و سربازان آن را به کام مرگ می‌کشاند. معاریو از حمله چندی پیش پهپاد حزب‌الله به یک کامیون اسرائیلی در نزدیکی شهرک شومیرا خبر داد که در نتیجه این حمله، ده‌ها گلوله که روی آن پهپاد بود منفجر شد و ۱۲ نظامی اشغالگر زخمی شدند.

طبق ویدیویی که حزب‌الله منتشر کرده، دو کوادکوپتر انفجاری مقاومت جمعه گذشته در منطقه جل‌العلام در جنوب لبنان سکوی سامانه ضد موشکی گنبد آهنین و پرسنل آن را مورد اصابت مستقیم قرار می‌دهد. رسانه های اسرائیلی در واکنش به انتشار این ویدیو اعلام کردند که اقدام حزب‌الله در هدف گرفتن سامانه گنبد آهنین و پرسنل آن امری بسیار نگران‌کننده محسوب می‌شود. آوی اشکنازی، تحلیلگر نظامی صهیونیست چند روز پیش گفته بود که حزب‌الله هر روز شمار زیادی از پهپادهای انفجاری را مورد استفاده قرار می‌دهد که غالبا منجر به تلفات و خسارت‌های سنگین در ارتش اسرائیل می‌شود.

حزب‌الله به دلیل مزایا و توانایی پهپادهای FPV در وارد کردن خسارت، به طور مداوم از این ریزپرنده‌ها برای هدف قرار دادن نظامیان اشغالگر استفاده می‌کند که منجر به وارد آمدن تلفات و خسارات سنگین به دشمن اسرائیلی شده است. در این پهپادها از فیبرنوری استفاده می‌شود. از جمله مزایای استفاده از فیبرنوری در پهپادهای FPV، مصونیت در برابر جنگ الکترونیک، سرعت بالای انتقال داده و امنیت بیشتر و احتمال هک شدن کمتر است.

در مذمت روشنفکری!

حسین سلمانی- خبرنگار گروه سیاسی: در طول تاریخ، روشنفکران و غرب‌زده‌ها در ایران، شهره به وطن‌فروشی و دزدی بوده‌اند.

آنها که اندکی با تاریخ مانوس هستند، حتما نام میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی را شنیده‌اند؛ ابوی اخوان پیرنیا؛ حسن و حسین؛ اولی، تاریخ ایران باستان را نوشته و به ایرانیان القا کرده که باید به گذشته باستانی و آرکاییک خود بنازند و مذهب را مخفی و مکتوم کنند و دومی نیز در قامت ریاست مجلس شورای ملی، در به قدرت رساندن رضاخان میرپنج، کوشش کرد. پدر اینها، یعنی همان میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی، در زمان صدور فرمان مشروطیت، صدراعظم مظفرالدین شاه قاجار بود. از جمله محرکین و مشوقین مظفرالدین شاه در امضای فرمان مشروطیت در مرداد سال ۱۲۸۵ همین پدر و دو پسر بوده‌اند. حال جالب است بدانید که جناب میرزا نصرالله خان که داد روشنفکری و مشروطیت سر می داد پورسانت بگیر قرارداد دارسی بوده است؛ دارسی همان قراردادی است که سال ۱۲۸۰ منعقد شد و نفت ایران را به ثمن بخس به انگلیسی‌ها داد؛ این قرارداد به قدری ننگین بود که حتی رضاشاه و وزیرش یعنی تیمورتاش نیز آن را برنتافتند و در راستای ابطالش تلاش کردند اما چون آنها نیز وابسته به انگلیس بودند، قراردادی ننگین‌تر به نام ۱۹۳۳ را به ایران و طلای سیاه کشور تحمیل کردند.

از میرزا نصرالله خان که بگذریم به میرزا ملکم خان می رسیم؛ او را قله روشنفکری در ایران قاجار می‌نامند. ردپای او در دو قرارداد استعماری رویتر و لاتاری آشکار است. رویتر قراردادی است که در عصر ناصرالدین‌شاه منعقد شد و به موجب آن، امتیاز انحصاری استخراج از منابع و معادن ایران، به طور نامحدود به انگلیسی‌ها واگذار شد و در عوض آن، شاه قاجاری ۲۰۰ هزار پوند گرفت که همه این پول را ظرف پنج ماه در لندن صرف عیاشی کرد. میرزا ملکم‌خان از بانیان این قرارداد ننگین و ضدایرانی بود. او کارچاق‌کن قرارداد لاتاری نیز بود؛ نکته جالب آنکه وقتی قرارداد ننگین لاتاری در نتیجه اعتراض مردم ابطال شد، میرزا ملکم‌خان در روزنامه متبوعش با نام قانون، شروع کرد به لگد زدن و دشنام دادن به فرهنگ دینی مردم ایران! التفات دارید؛ طرف، منافع ملی را به تاراج داده، بعد که جلویش را گرفته‌اند، دشنام داده که ایرانیان مسلمان، فلان‌وبهمان هستند!

از دیگر روشنفکران خائن به وطن، باید از سیدحسن تقی زاده نام برد؛ گوینده جمله معروف «باید از فرق سر تا نوک پا، فرنگی شویم!» جناب تقی‌زاده علاوه بر هزاران مطلب تحقیرآمیز که در روزنامه کاوه علیه سنت و مذهب ایرانیان منتشر کرد، در قامت یک مشروطه‌خواه دوآتشه نیز کارش به ترور افراد کشید. پس از برقراری مجدد مشروطه و فتح تهران توسط مجاهدین در سال ۱۲۸۸، آیت الله سید عبدالله بهبهانی، مجتهد ساکن تهران منزلت بسیاری یافت و به نوعی حاکم کل کشور شد. ارتقای منزلت و مرتبت سید عبدالله بهبهانی، سایر مشروطه‌خواهان و مجاهدین را خوش نیامد فلذا در تیر ۱۲۸۹ او را ترور کردند. احمد کسروی معتقد است که آمر ترور سید عبدالله بهبهانی کسی نبود جز سیدحسن تقی‌زاده و مباشر این ترور نیز اعضای گروه حیدرخان عمواوغلی بودند.

آنچه در سطور فوق ذکر شد، نم و قطره‌ای از دریای خیانت و دنائت و وطن‌فروشی حضرات روشنفکر و غرب‌زده بود؛ آنها هنوز نیز نفس می‌کشند؛ از کالبدی به کالبد دیگر رفته‌اند؛ روحشان همچنان ساری و جاری است؛ همچنان افکار ضاله شان را ترویج می‌کنند؛ در زمانه‌ای که مام‌وطن در کمتر از یک سال، دو جنگ وجودی را متحمل شده و متجاوزین صریحا اعلام کرده‌اند که هدف‌شان از بین بردن تمامیت ارضی ایران است، آنها هنوز نسخه واداده‌گی می‌پیچند و انگشت اتهام را سمت وطن می‌برند، نه متجاوز! آنها سفیدشویان استعمار و استکبار و کودک‌کشی هستند؛ به قول شکسپیر، در نمایشنامه طوفان، «جهنم خالی است، همه شیاطین اینجا هستند»؛ در ذهن و ضمیر روشنفکر و غرب‌زده‌ای که جنایت میناب را دید اما جانی را مذمت نکرد؛ چون جنایتکار، آمریکایی بود!

شروط ایران برای پایان جنگ به آمریکا ارسال شد
۵ شرط اصلی ایران

پاسخ ایران به درخواست آمریکا برای پایان جنگ، روز یک شنبه از طریق میانجی پاکستانی به واشنگتن ارسال شد. در این پاسخ، در صدر همه چیز، منافع ملت ایران و مصالح عالیه کشور لحاظ شده بود.

طبق اعلام یک منبع مطلع، در پاسخ ایران، ۵ شرط اساسی گنجانده شده است. نخست آنکه، همه تحریم‌ها اعم از اولیه و ثانویه، فسخ شوند. دوم آنکه اموال بلوکه شده ملت ایران آزاد شود. سومین شرط شناخته شدن حاکمیت ایران بر تنگه هرمز است؛ چهارم آنکه، آتش‌بس در سراسر جغرافیای مقاومت برقرار شود و پنجم آنکه غرامت ایران از جنگ تحمیلی اخیر، تأدیه شود.

بامداد دوشنبه به وقت تهران، رسانه‌های آمریکایی، خبر دادند که پاسخ ایران به کاخ سفید رسیده و این پاسخ به مذاق دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا خوش نیامده است. ترامپ در همین رابطه، در یک تماس تلفنی کوتاه به آکسیوس گفت که پاسخ ایران به تازه‌ترین پیش‌نویس توافق برای پایان دادن به جنگ را رد خواهد کرد. ترامپ اندکی پس از این تماس، در پستی در تروث‌سوشال، پاسخ ایران را کاملا غیرقابل قبول خواند. ترامپ به آکسیوس گفت با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل، صحبت کرده و در میان مسائل دیگر، درباره پاسخ ایران نیز گفت‌وگو داشته است. او درباره نتانیاهو گفت: تماس بسیار خوبی بود. رابطه خوبی داریم. اما افزود که مذاکرات ایران مسئله من است، نه مسئله دیگران. این سخنان ترامپ، کنایه و تعریضی بود به نتانیاهو که در مصاحبه با سی‌بی‌اس گفته بود در آخر، این اوست که پیرامون توافق یا عدم توافق با ایران، تصمیم خواهد گرفت. ترامپ در مصاحبه کوتاه خود با آکسیوس روشن نکرد که آیا قصد دارد مذاکرات را ادامه دهد یا احتمالا بار دیگر به تجاوز نظامی متوسل خواهد شد.

لیندسی گراهام، سناتور جنگ‌طلب و جمهوری‌خواه از کارولینای جنوبی، در ایکس نوشت که ترامپ اکنون باید گزینه تجاوز مجدد به ایران را در نظر بگیرد؛ موضعی که گراهام در سراسر آتش‌بس یک ماهه بارها تکرار کرده است. او نوشت: با توجه به حملات مداوم ایرانی‌ها به کشتی‌های آمریکایی، حملات پیوسته ایران به متحدان آمریکا در غرب آسیا و اکنون پاسخ کاملا غیرقابل قبول به پیشنهاد دیپلماتیک آمریکا، به نظر من زمان آن رسیده که تغییر مسیر را در نظر بگیریم. گراهام نوشت: پروژه آزادی پلاس همین حالا خیلی خوب به نظر می‌رسد! اشاره‌ای به عملیات دریایی برای هدایت کشتی‌ها از تنگه هرمز که ترامپ پس از کمتر از ۴۸ ساعت به طور ناگهانی آن را متوقف کرد و به سبب ترس از ایران، از این پروژه عقب‌نشینی کرد. اما غوغاسالاری آمریکایی‌ها در خصوص پاسخ ایران، سبب شد یک منبع مطلع داخلی در واکنش به پیام ترامپ مبنی بر کاملا غیرقابل قبول بودن پاسخ تهران به پیشنهاد واشنگتن، اعلام کند که همین الان واکنش به اصطلاح رئیس جمهور آمریکا را به پاسخ ایران دیدیم. هیچ اهمیتی ندارد؛ کسی در ایران برای خوشایند ترامپ طرح نمی‌نویسد. تیم مذاکره‌کننده فقط برای حق ملت ایران باید طرح بنویسد و وقتی ترامپ از آن راضی نباشد، قاعدتا بهتر است. ترامپ کلا واقعیت را دوست ندارد؛ به همین دلیل مدام از ایران شکست می‌خورد. اما طرح تهران که ترامپ آن را غیرقابل قبول خوانده است، برضرورت پرداخت خسارت‌های جنگ توسط آمریکا و حاکمیت جمهوری اسلامی بر تنگه هرمز تاکید دارد.

متن پیشنهادی ایران، معقول و سخاوتمندانه بود

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان، روز گذشته در جریان نشست خبری هفتگی خود در پاسخ به سوالی درباره طرح و پاسخ ایران گفت: ما هیچ امتیازی مطالبه نکردیم. تنها چیزی که مطالبه کردیم حقوق مشروع ایران است. قضاوت را به شما و مردم واگذار می‌کنم که آیا مطالبه ایران برای خاتمه جنگ در منطقه، توقف راهزنی دریایی علیه کشتی‌های ایران یا همان محاصره دریایی، آزاد شدن دارایی‌های متعلق به مردم ایران که سال‌هاست به ناحق در بانک‌های خارجی مسدود شده، مطالبه زیاده‌خواهانه است. هرآنچه در متن پیشنهاد کردیم معقول و سخاوتمندانه بود. نه تنها برای منافع ملی ایران بلکه برای خیر و صلاح منطقه و جهان. طرف های آمریکایی همچنان بر خواسته های نامعقول خود پافشاری می‌کنند. این دیپلمات ارشد ایرانی در پاسخ به اظهارات ترامپ گفت: ایران ثابت کرده قدرت مسئولیت‌پذیر در منطقه است. ما قلدر نیستیم، قلدرستیز هستیم. کافی است به عملکرد ما نگاه شود. آیا ما بودیم که به آمریکا لشکرکشی کردیم؟ آیا ما هستیم که در نیمکره غربی علیه کوبا و ونزوئلا و... قلدری می‌کنیم؟ آیا ما بودیم که در روند دیپلماتیک دو نوبت مرتکب این جنایت شدیم؟ وی با اشاره به مداخلات آمریکا در منطقه افزود: نفس حضور نظامی آمریکا در منطقه مصداق ایجاد چرخه قلدری و خشونت در منطقه است. این لفاظی‌ها، در واقعیت امر آمریکا تغییر ایجاد نمی‌کند.



ادعای العربی‌الجدید از پاسخ ۱۴ بندی ایران به آمریکا

اما وبگاه خبری العربی‌الجدید روز دوشنبه در گزارشی به بیان جزئیاتی از پاسخ ایران به آمریکا در چارچوب مذاکرات پایان جنگ پرداخت. هرچند محتوای این گزارش هنوز به تایید یا رد منابع رسمی ایرانی نرسیده است. العربی‌الجدید نوشت: منابع نزدیک به مذاکرات ایران و آمریکا اعلام کردند که پاسخ ایران که از طریق میانجی پاکستانی به طرف آمریکایی ارسال شده، شامل ۱۴ بند است. این منابع مدعی شده‌اند که تهران در پاسخ خود انعطاف زیادی نشان داده و با بررسی پرونده هسته‌ای طی ۳۰ روز موافقت کرده است؛ موضوعی که پیشتر حاضر نبود در این بازه زمانی درباره آن گفت‌وگو کند و بر موکول شدن آن به مراحل بعدی تاکید داشت. این منابع در گفت‌وگو با العربی‌الجدید توضیح دادند که پاسخ ایران بر مذاکره درباره مسائل اختلافی هسته‌ای ظرف ۳۰ روز تاکید دارد و در مرحله نخست بر توقف جنگ، بازگشایی تنگه هرمز و پایان محاصره متمرکز است.

به گفته این منابع، این پاسخ همچنین شامل تعهد متقابل به توقف جنگ در تمامی جبهه‌ها میان ایران و متحدانش از یک سو و آمریکا و متحد اسرائیلی‌اش از سوی دیگر است. در ادامه گزارش العربی‌الجدید آمده است، تهران همچنین در پاسخ خود شرط کرده است که محاصره دریایی اعمال‌شده ایران پایان یابد، تحریم‌های فروش نفت لغو شود و دارایی‌های بلوکه‌شده ایران حداکثر ظرف ۳۰ روز پس از امضای تفاهم اولیه آزاد شود. در همین حال، روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال به نقل از منابعی گزارش داد که پاسخ ایران، که روز یک‌شنبه از سوی اسلام‌آباد به واشنگتن تحویل داده شده، طرحی را ارائه می‌دهد که بر اساس آن تنگه هرمز به تدریج باز شود و در مقابل، آمریکا محاصره کشتی‌ها و بنادر ایران را لغو کند. این روزنامه افزود که پاسخ تهران به پیشنهاد واشنگتن در چند صفحه تنظیم شده و شامل شرح مفصلی از مطالبات ایران است، اما همه اختلافات دو طرف را پوشش نمی‌دهد. به نوشته وال‌استریت ژورنال، پاسخ ایران خواسته آمریکا مبنی بر دریافت تعهدات قبلی از تهران درباره برنامه هسته‌ای و ذخایر اورانیوم با غنای بالا را تامین نمی‌کند. در مقابل، تهران پیشنهاد داده است که همزمان با لغو محاصره کشتی‌ها و بنادرش، درگیری‌ها پایان یابد و تنگه هرمز به صورت تدریجی بازگشایی شود. طبق گزارش همین روزنامه، تهران در پاسخ خود پیشنهاد کرده که پرونده هسته‌ای طی ۳۰ روز مورد بحث قرار گیرد و همچنین کاهش سطح غنی سازی بخشی از ذخایر خود و انتقال بخش دیگری از آن به کشوری دیگر را مطرح کرده است. ایران همچنین خواستار دریافت تضمین‌هایی برای بازگرداندن اورانیوم غنی‌شده منتقل‌شده به خارج در صورت شکست مذاکرات یا خروج دوباره آمریکا از توافق در آینده شده است. در خصوص غنی‌سازی اورانیوم نیز وال‌استریت ژورنال گزارش داد که تهران آمادگی خود را برای تعلیق غنی‌سازی اعلام کرده، اما برای دوره‌ای کوتاه‌تر از ۲۰ سالی که واشنگتن خواستار آن است. در عین حال، ایران بر مخالفت خود با برچیدن تاسیسات هسته‌ای‌اش تاکید کرده است.

ارتباطات گسترده عرفان شکورزاده با دشمن در فروش اطلاعات علمی کشور
جاسوس مشترک سیا و موساد در ایران اعدام شد



عرفان شکورزاده، فرزند جعفر، به جرم همکاری با سرویس اطلاعاتی آمریکا و سرویس جاسوسی موساد به دار مجازات آویخته شد.

براساس محتویات پرونده، نامبرده به عنوان پروژه و با توجه به تخصصی که داشته، جذب یکی از سازمان‌های علمی کشور که در حوزه ماهواره فعالیت داشته، شده بود. محکوم علیه در حین همکاری با مجموعه مهم علمی کشور، اقدام به ارتباط گیری با سرویس های جاسوسی دشمن از جمله CIA و به طور ویژه سرویس اطلاعاتی تروریستی موساد کرد. نامبرده با سرویس های اطلاعاتی دشمن در سه مرحله اقدام به ارتباط گیری کرده که مرحله اول و سوم مربوط به موساد و مرحله دوم مربوط به سیا بوده است. براساس مفاد پرونده، محکوم علیه به صورت آگاهانه با میل خود اقدام به ارتباط با سرویس جاسوسی آمریکا CIA و موساد کرده و اطلاعات در اختیارش را نزد عوامل دشمن بازگو کرده است. اطلاعاتی که محکوم علیه تلاش داشته به سرویس های دشمن ارائه کند، دارای طبقه‌بندی بوده است.

نامبرده همه فعالیت های خود در شرکت مهم ماهواره‌ای و مشخصات و اطلاعات مربوط به شرکت در حوزه پروژه‌های ماهواره‌ای را به سرویس جاسوسی اسرائیل ارائه داده و در ازای آن ارز دیجیتال به عنوان پاداش دریافت کرده است. در یکی از مراحل ارتباطی، افسر موساد از محکوم علیه می خواهد برای فعال سازی واتس اپ روی گوشی جدید اقدام به تهیه سیم‌کارت ایرانی بی‌نام و نشان کند که محکوم علیه عنوان می‌کند امکان تهیه آن برای او میسر نیست. به همین دلیل افسر یک شماره خارجی برای وی تهیه و با فعال سازی واتس اپ آن را در اختیار محکوم علیه قرار می‌دهد. علاوه بر شماره خارجی، افسر یک جی‌میل جدید روی گوشی خریداری‌شده فعال و کنترل آن را در اختیار خودش می‌گیرد.

در مستندات کشف شده از ایمیل‌های محکوم علیه با عامل سرویس سیا، وی از آنها خواسته بود تا امکان ویزای آمریکا و تحصیل در آن کشور را برای او فراهم کنند.



حجت‌الاسلام محمدمهدی ایمانی‌پور، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی:

قدرت روایت، شاخص اصلی قدرت در جهان است

حبیب خزائی‌فر موسیقی وداع با «رهبر شهید انقلاب» را ساخت

قطعه موسیقی ویژه وداع با «رهبر شهید انقلاب» با آهنگسازی حبیب خزائی‌فر به تولید رسید و به‌زودی منتشر می‌شود. این قطعه موسیقایی که محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است و در مرکز موسیقی «مأوا» به تولید رسیده، در ادامه تولید آثار مرتبط با جریان مقاومت و گرامیداشت شهدای جهان اسلام ساخته شده است. حبیب خزائی‌فر که پیش از این سابقه درخشانی در ساخت موسیقی آثار شاخص با موضوع دفاع مقدس و جبهه مقاومت داشته، در این اثر نیز به بازنمایی موسیقایی شکوه مقاومت پرداخته است. گفتنی است سازمان هنری رسانه‌ای اوج پیش از این نیز قطعه «سید الامه» را با آهنگسازی کارن همایونفر، ویژه مراسم تشییع شهید سیدحسن نصرالله تولید و منتشر کرده بود.

پرچمی که تاریخ را لمس کرد

هفتادویکمین شب تجمعات در چهارراه ولیعصر، شب پیروزی اراده مردم بود. خیابان‌ها پر از گام‌هایی شد که نه لرزه سرما، نه سایه تهدید و نه گذر زمان نتوانسته بود آنها را متوقف کند. در مرکز میدان، پرچمی در دست مردم می‌چرخید؛ پرچمی که از شب‌های آغازین این ایستادگی، شاهد هر فریاد، هراشک و هرامیدی بود و دیشب، این پرچم به هزارمین نفری سپرده شد که آن را در دست گرفت؛ لحظه‌ای که به یک نقطه عطف حماسی تبدیل شد. هزارمین نفر، نه تنها عددی در شمارش، بلکه نماد جمعیتی بود که هیچ تهدیدی نتوانست آن را متلاشی کند. وقتی پرچم در دستانش قرار گرفت، گویی تمام تاریخ چهارراه ولیعصر به او منتقل شد؛ همه گام‌ها، همه شب‌های سرد، همه فریادهایی که درباد می‌پیچیدند. او پرچم را بالا برد و در یک لحظه، هزاران چشم به او دوخته شد، هزاران دست به سوی او بلند شد و هزاران قلب در یک ضربان واحد کوبید.

جمعیت اطراف، موجی از غرور و قدرت را تجربه کرد. پرچم درباد می‌رقصید و نور چراغ‌های خیابان آن را همچون شعله‌ای حماسی روشن می‌کرد. هر بار که پرچم در دست کسی قرار می‌گرفت، پیامی از مقاومت و اراده جمعی به جهان فرستاده می‌شد؛ ما هنوز ایستاده‌ایم و ایستادگی ما پایان ناپذیر است. هزارمین نفر، با چشمانی پر از افتخار، به جمعیت نگاه کرد. مردان و زنان، جوانان و پیران، همه و همه یک صدا شدند؛ نه فقط در میدان، بلکه در تاریخ. پرچم، پرچم هزاردست، دیگر یک نماد ساده نبود؛ چشم‌انداز یک ملت بود، تجلی اراده جمعی و تصویر زنده حماسه‌ای که هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را از میان بردارد. هفتادویکمین شب، هزارمین دست و پرچمی که به آسمان برخاست؛ این تصویر ثبت شد، نه فقط در خاطره حاضرین، بلکه در تاریخ مقاومت و ایستادگی. این پرچم، پرچم مردم شد؛ پرچمی که نشان می‌دهد هر گامی که برداشته شد، هر فریادی که سر داده شد و هر شبی که تحمل شد، بخشی از حماسه‌ای بی‌پایان است. در آن شب، پرچم بالا رفت و با خود پیام قدرت، اتحاد و امید را به همه رساند. این لحظه به ما یادآوری می‌کند که وقتی مردم متحد شوند، هیچ نیرویی توان ایستادگی در برابر اراده جمعی آنها را ندارد. هفتادویک شب مقاومت، هزار دست حماسی و پرچمی که بالاتر از هر سایه و هر تهدیدی برافراشته شد؛ این است حماسه چهارراه ولیعصر و این است روایت مردم، که هرگز فراموش نخواهد شد.





پیوند شگفت‌انگیز زمین‌شناسی نوین و اعجاز علمی قرآن

روزی که خشکی‌ها از خواب آب بیدار شدند!

مرضیه کیان- خبرنگار: این روزها که قدم بر سنگفرش خیابان‌ها می‌گذاریم یا در هیاهوی شهر برای رسیدن به مقصدی روزمره می‌دویم، کمتر پیش می‌آید به زیرپایمان فکر کنیم؛ به این خاک آرام و استواری که قرن‌هاست بارگام‌های بشر را به دوش می‌کشد. اما این زمین زیرپای ما، همیشه این قدر رام و بی‌صدا نبوده است. روزگاری بسیار دور، اینجا صحنه طوفان‌های سهمگین، آتشفشان‌های خروشان و اقیانوسی بی‌انتها و تاریک بود که هیچ نشانی از خشکی در آن یافت نمی‌شد. در تقویم روایی و مذهبی ما، روزی وجود دارد که نقطه آغاز پیدایش این خشکی‌هاست؛ روزی که به آن «دحوالارض» می‌گویند. روزی که خشکی‌ها، آرام و پیوسته، از دل آب‌ها سر برآوردند تا گهواره‌ای برای حیات شوند. این روایت، تنها یک باور مذهبی یا اسطوره‌ای کهن نیست؛ شگفتی ماجرا اینجاست که وقتی آیات هزار و چهارصد ساله را در کنار یافته‌های مدرن زمین‌شناسی می‌گذاریم، به اعجازی خیره‌کننده می‌رسیم. یک چای تازه دم بریزید و با ما همراه شوید تا به روزگار کودکی زمین سفر کنیم.

این روزها آدم‌ها آن‌قدر درگیر معادلات پیچیده زندگی، قیمت دلار، ترافیک عصرگاهی و نوتیفیکیشن‌های بی‌پایان گوشی‌هایشان هستند که اگر از آنها بپرسی «روی چه چیزی ایستاده‌ای؟»، احتمالا با تعجب نگاهت می‌کنند و می‌گویند: «خب روی آسفالت!» حق هم دارند. فرصتی برای فکرکردن به این کره خاکی باقی نمانده است. ما عادت کرده‌ایم که زمین را همین‌گونه پهناور، دارای کوهستان‌های سربه فلک کشیده، دشت‌های سرسبز و قاره‌های از هم جدا ببینیم. انگار که از روز ازل، نقشه جهان همین شکلی بوده است که در اطلس‌های جغرافیایی می‌بینیم. اما بیایید ماشین زمان را روشن کنیم و به میلیاردها سال قبل برگردیم. به روزگاری که نه از درختان خبری بود، نه از پرندگان و نه حتی از یک وجب خاک خشک برای ایستادن. تصور کنید تمام سطح کره زمین را آب‌های خروشان و تاریک فرا گرفته است؛ جو زمین پر از گازهای سمی، دود و بخار آب اشباع شده است و آتشفشان‌های زیردریایی بی‌وقفه می‌غرند. آسمان سیاه سیاه است. در میان این هرج و مرج مطلق، قرار است اتفاقی بزرگ رخ دهد. اتفاقی که در ادبیات دینی ما با یک کلمه رازآلود و پرطنین شناخته می‌شود: «دحوالارض»

دحوالارض دقیقا چیست؟

اگر بخواهیم در لغت‌نامه‌ها جست‌وجو کنیم، کلمه «دحو» به معنای گستردن، پهن کردن و حتی تکان دادن و پرتاب کردن است. بر اساس روایات اسلامی، روز بیست‌وپنجم ماه ذی‌القعده، روزی است که برای اولین بار، خشکی از زیر آب‌های فراگیر زمین سر برآورد. داستان از این قرار است که در آغاز خلقت، پس از بارش‌های سیل‌آسای متوالی، سراسر زمین غرق در آب بود. سپس اراده خالق هستی بر این قرار گرفت که زمین را برای پذیرش حیات، گیاهان، جانوران و در نهایت انسان آماده کند. در این فرآیند، آب‌ها به تدریج در گودال‌های عمیق (که بعدها اقیانوس‌ها را تشکیل دادند) فرو نشستند و اولین نقطه خشکی پدیدار شد. طبق روایات مستند، این اولین نقطه برآمده، همان مکان کعبه و بیت‌الله‌الحرام بود. از این نقطه، زمین شروع به گسترش کرد و قاره‌ها و خشکی‌ها یکی پس از دیگری شکل گرفتند. امام رضا (ع) در روایتی زیبا می‌فرمایند که در بیست‌وپنجم ذی‌القعده، رحمت خداوند نشر پیدا کرد و زمین گسترده شد. این روز، روز بیداری خاک و آغاز تولد زیستگاه ماست.

چرا دحوالارض مهم است؟

اهمیت دحوالارض تنها در یک تقویم مذهبی و اعمال مستحبی آن خلاصه نمی‌شود. دحوالارض نماد آماده سازی یک «خانه» است. وقتی مهمان عزیزی در راه دارید، ساعت‌ها وقت می‌گذارید، خانه را تمیز می‌کنید، فرش‌ها را می‌گسترانید و چراغ‌ها را روشن می‌کنید تا همه چیز برای ورود او مهیا باشد. دحوالارض، همان فرش کردن خانه برای ورود باشکوه‌ترین مخلوق خداوند، یعنی انسان است. اما فراتر از این نگاه فلسفی و عرفانی، دحوالارض حامل یک پیام علمی شگرف است که تا همین یکی دو قرن اخیر، بشریت از درک کامل آن عاجز بود. مهم‌ترین دلیلی که این گزارش نوشته شده است، پرده برداری از همین حقیقت است؛ تطابق بی‌نظیر مفهوم دحوالارض با آخرین دستاوردهای علم زمین‌شناسی، که آن را به یکی از برجسته‌ترین اعجازهای قرآن کریم تبدیل می‌کند.

پرده برداری از یک اعجاز علمی

برای قرن‌ها، مفسران قرآن وقتی به آیه ۳۰ سوره نازعات می‌رسیدند که می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا» (و زمین را پس از آن گسترش داد)، آن را تنها به معنای پهن شدن خشکی‌ها پس از خلقت آسمان‌ها تفسیر می‌کردند. درک مردم هزار سال پیش از «گسترش زمین»، درکی ساده و مبتنی بر مشاهدات چشم غیرمسلح بود.

اما امروز، زمین‌شناسی و کیهان‌شناسی داستان حیرت‌انگیزی برای ما روایت می‌کنند. بیایید آیات قرآن را با علم روز تطبیق دهیم. قرآن در آیات قبل از این، به بنا شدن آسمان، بالا رفتن سقف آن و تاریک بودن شب و روشن شدن روز اشاره می‌کند (وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا) علم زمین‌شناسی می‌گوید کره زمین در بدو پیدایش (حدود ۴/۵ میلیارد سال پیش)، فاقد جو امروزی بود. پس از مدتی، جوی اولیه متشکل از بخار آب، آمونیاک و متان شکل گرفت که پر از غبارهای آتشفشانی بود. این جو چنان تاریک و غلیظ بود که نور خورشید به سطح زمین نمی‌رسید (قرآن از این حالت با عنوان «دخان» یا دود یاد کرده است.) سال‌ها گذشت تا اکوسیستم تغییر کرد، اکسیژن تولید شد و جو زمین در هفت طبقه منظم شد و سقف آسمان شکل گرفت. حالا نور خورشید می‌توانست روزها را روشن کند. دقیقا پس از این مرحله است که قرآن می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا» یعنی «بعد از آن» (بعد ذلک)، زمین گسترده شد. این تقدم و تاخر زمانی در قرآن، یک شاهکار علمی است.

حرکت قاره‌ها و رقص زمین

زمین‌شناسان دریافته‌اند که در حدود ۲۵۰ میلیون سال پیش، تمام خشکی‌های زمین به هم چسبیده بودند و یک قاره عظیم به نام «پانگه‌آ» را تشکیل می‌دادند. سپس، در دوران مزوزوئیک (حدود ۲۲۵ تا ۶۵ میلیون سال پیش)، این قاره بزرگ شروع به شکافتن کرد. خشکی‌ها از هم جدا شدند، گسترش یافتند و قاره‌های امروزی را پدید آوردند. در اثر این حرکت و گسترش، رشته‌کوه‌ها شکل گرفتند و چشمه‌ها و مراتع به وجود آمدند. حالا به آیه بعد از دحوالارض نگاه کنید: «أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا * وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا» (آب و چراگاه‌هایش را از آن بیرون آورد و کوه‌ها را استوار و پابرجا گردانید.)

آیا این شگفت‌انگیز نیست؟ کتابی که در هزار و چهارصد سال پیش، در دل صحرای بی‌آب و علف و به دور از هرگونه تلسکوپ، ماهواره و آزمایشگاه زمین‌شناسی نازل شده، دقیقا همان مراحلی را توصیف می‌کند که علم امروز با پیچیده‌ترین ابزارها به آن دست یافته است. زمین‌شناسی می‌گوید ابتدا جو آرام شد، سپس قاره‌ها از هم فاصله گرفتند و گسترده شدند (دحوها)، سپس در اثر این تحولات، کوه‌ها پدیدار شدند و چرخه آب و رویش گیاهان (ماء و مرعا) برای تغذیه پستانداران و انسان‌ها شکل گرفت.

کعبه؛ نقطه صفر مرزی زمین

علامه حسن زاده آملی، با نگاهی دقیق به این موضوع اشاره کرده‌اند که شکل کره‌زمین کاملا کروی نیست، بلکه در قطب‌ها کمی فرورفتگی و در استوا (نزدیک به مکه) برآمدگی دارد. وقتی آب‌ها شروع به فرونشستن کردند، طبیعتا بالاترین و برآمده‌ترین نقطه زمین زودتر از بقیه جاها از زیر آب بیرون آمد. این نقطه، همان منطقه مکه مکرمه است. از نظر جغرافیایی، این خشکی اولیه شروع به گسترش کرد. علاوه بر این، واژه «دحو» ریشه‌ای در معنای «به گردش درآوردن» نیز دارد. برخی مفسران نواندیش معتقدند این کلمه در دل خود به حرکت وضعی و انتقالی زمین نیز اشاره می‌کند. کره زمین در حالی که پهن و آماده حیات شده است، مانند گویی در فضا پرتاب شده و به دور خود و خورشید می‌گردد.

بیداری در پس یک رویداد

دحوالارض فقط یک روز در تقویم نیست که برایش روزه بگیریم و دعا بخوانیم؛ دحوالارض یک دعوتنامه است برای تفکر. دعوتی است برای اینکه وقتی فردا صبح کفش‌های‌مان را می‌پوشیم و روی آسفالت خیابان قدم می‌گذاریم، بدانیم این تکه سنگی که اکنون زیر پای ماست، میلیاردها سال پیش در اعماق یک اقیانوس تاریک خفته بوده و با اراده‌ای شگرف، شکافته شده، حرکت کرده و گسترده شده تا من و شما امروز روی آن راه برویم.

قرآن با بیان راز دحوالارض، نه تنها تاریخچه زمین را مرور می‌کند، بلکه به انسان مدرن که گاهی در غرور پیشرفت‌های علمی‌اش غرق می‌شود، یادآوری می‌کند که حقیقت علم، قرن‌ها پیش در لابه‌لای این آیات گنجانده شده بود. اعجاز قرآن در این نیست که فرمول‌های شیمی و فیزیک را به صورت خطی بیان کند؛ بلکه اعجاز آن در کلماتی است که هرچه علم بشر پیشرفت می‌کند، معنای عمیق‌تر و تازه‌تری از آنها شکوفا می‌شود. دفعه بعد که در ترافیک شهری گیر کردید و کلافه شدید، به کوه‌های دوردست نگاه کنید و به خاطر بیاورید که این زمین، روزی با عشق برای شما گسترانیده شده است.

«فراجامعه» بررسی زندگی اجتماعی بشر

جنگ، نیرویی ویرانگر که گاهی تمدن می‌سازد

در طبیعت چه گونه هایی می‌توانند به صورت مشارکتی زندگی کنند؟ گونه های اندکی توانایی همکاری گسترده دارند، اما همین تعداد کم تقریبا سراسر سیاره را پوشانده‌اند. برای نمونه، مورچه ها به تنهایی حدود یک چهارم کل جرم جانوری زمین را تشکیل می دهند؛ با این حال انسان با ظرفیت خارق العاده‌اش برای همکاری، از همه این گونه‌ها پیشی گرفته است. ما جوامعی متشکل از صدها میلیون نفر ساخته‌ایم، در تمامی قاره‌ها سکونت کرده‌ایم و حتی انسان را به فضا فرستاده‌ایم. آنچه شگفت‌انگیز است این است که این برتری تنها در حدود ۱۰ هزار سال گذشته شکل گرفته؛ دوره‌ای بسیار کوتاه در مقیاس تکامل که طی آن انسان‌ها از زنبورهای عسل، موریانه‌ها و مورچه‌ها در «کارتیمی» پیشی گرفتند.

فراجامعه چیست؟

کتاب «فراجامعه» نوشته پیتر تورچین در سال ۲۰۱۵ منتشر شده است و به بررسی یکی از پرسش‌های بنیادین تاریخ بشر می‌پردازد: چگونه انسان‌ها از گروه‌های کوچک قبیله‌ای به جوامع بسیار بزرگ، پیچیده و سازمان‌یافته امروزی رسیدند؟ تورچین که زیست‌شناس تکاملی و مورخ کمی است، از بنیان‌گذاران حوزه‌ای به نام «کلیودینامیک» به شمار می‌آید. کلیودینامیک رویکردی علمی برای مطالعه تاریخ است که در آن از داده‌های تاریخی، مدل‌های آماری و ابزارهای ریاضی برای تحلیل روندهای تاریخی و اجتماعی استفاده می‌شود.

پیتر تورچین، دانشمند تکامل فرهنگی، در کتاب اخیر خود نشان می‌دهد که تکامل ژنتیکی به تنهایی نمی‌تواند این جهش عظیم را توضیح دهد؛ زیرا عامل اصلی، «تکامل فرهنگی ناشی از جنگ» بوده است. به باور او، مسیر بشریت از نخستین گروه‌های پراکنده تا پیدایش امپراتوری‌های عظیم با منطقی روشن پیش رفته و توانایی همکاری شگفت‌انگیز انسان در «آتش جنگ» شکل گرفته است. جنگ با مقیاس رو به افزایش خود هم ساختارهای سلسله‌مراتبی مانند پادشاهی‌های کهن را ایجاد کرده و هم در نهایت آنها را فروپاشیده است. این فرآیند چرخه‌ای ظاهرا متناقض را پدید آورده: انسان‌های اولیه بسیار برابرطلب بوده‌اند، اما بعدها پادشاهان مقتدر به قدرت رسیده‌اند و سپس در طول هزاره‌ها دوباره گرایش به برابری‌طلبی بازگشته است. تورچین با تکیه بر علم تکامل فرهنگی این الگوی عجیب را توضیح می‌دهد و از قوانین پنهانی سخن می‌گوید که تاریخ بشر را هدایت کرده‌اند؛ قوانینی که تنها با سفری در دل زمان می‌توان آنها را شناخت.

ایده اصلی کتاب بر این پایه استوار است که موفقیت انسان در ساخت تمدن‌های بزرگ، به توانایی او در ایجاد همکاری در مقیاس وسیع بازمی‌گردد. تورچین این نوع سازمان اجتماعی را «فراجامعه» می‌نامد؛ جامعه‌ای که در آن تعداد بسیار زیادی از افراد که اغلب یکدیگر را نمی‌شناسند، قادرند برای اهداف مشترک با هم همکاری کنند. این ویژگی یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های انسان با بسیاری از گونه‌های دیگر به شمار می‌رود.

جنگ، نیروی آفرینش و ویرانگر

یکی از مهم‌ترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین دیدگاه‌های تورچین در این کتاب، نقش جنگ در شکل‌گیری جوامع بزرگ است. به اعتقاد او، رقابت و درگیری میان گروه‌های انسانی در طول تاریخ باعث شده است گروه‌هایی که توانایی بیشتری در همکاری، انسجام و سازماندهی داشتند، در برابر دیگران موفق‌تر عمل کنند. این گروه‌ها در نهایت گسترش یافته، گروه‌های ضعیف‌تر را جذب یا حذف کرده و ساختارهای اجتماعی بزرگ‌تر و پیچیده‌تری را شکل داده‌اند. تورچین این فرآیند را با مفهوم «انتخاب در سطح گروه» توضیح می‌دهد؛ یعنی رقابت میان گروه‌ها به انتخاب و بقای گروه‌هایی می‌انجامد که همکاری درونی قوی‌تری دارند.



تورچین همچنین از مفهوم «عصبیت» یا همبستگی اجتماعی که نخستین بار ابن‌خلدون مطرح کرده است بهره می‌گیرد. عصبیت به معنای احساس همبستگی، اعتماد و وفاداری جمعی میان اعضای یک جامعه است. بر اساس این دیدگاه، تمدن‌ها زمانی رشد می‌کنند که سطح همبستگی اجتماعی بالا باشد. اما با گذشت زمان، افزایش نابرابری‌ها، رقابت میان نخبگان و کاهش اعتماد اجتماعی می‌تواند این همبستگی را تضعیف کند و زمینه را برای افول یا بی‌ثباتی سیاسی فراهم سازد.

از دیگر نکات مهم در تحلیل تورچین، نقش مناطق مرزی در شکل‌گیری امپراتوری‌هاست. او نشان می‌دهد بسیاری از دولت‌های قدرتمند تاریخی در مناطقی شکل گرفته‌اند که در مرز میان جوامع کشاورزی و جوامع کوچ‌نشین جنگجو قرار داشته‌اند. این مناطق مرزی فشار نظامی و رقابتی شدیدی ایجاد می‌کردند و همین فشار، جوامع کشاورزی را وادار می‌کرد ساختارهای سیاسی و نظامی منسجم‌تری ایجاد کنند. نمونه‌هایی از این وضعیت را می‌توان در تاریخ چین، امپراتوری روم و برخی تمدن‌های خاورمیانه مشاهده کرد.

فراجامعه، محصول فرآیندهای تکاملی و تاریخی

در فصل ششم کتاب می‌خوانیم: «جنگ به چه دردی می‌خورد؟ بسیاری از مردم از جمله من فکر نمی‌کنند جنگ واقعا برای چیزی مفید باشد. جنگ شر است، گاهی اوقات شری کوچک‌تر است. وقتی جایگزین آن مرگ، بردگی، یا محو شدن هویت فرهنگی باشد بسیاری از مردم مبارزه را انتخاب می‌کردند. اما اصلا چیز خوبی نیست که مجبور به چنین انتخابی شوی. فقط به خاطر داشته باشید که وقتی جنگ را آفرینشگر یا مولد می‌نامم قصدم ستایش آن یا این استدلال نیست که جنگ از هر جهت خوب است منظورم از «آفرینشگر» این است که یکی از نیروهای مهم انتخاب برای جوامع مشارکتی در مقیاس بزرگ است. حالا در چه شرایطی درگیری مرگبار بین گروه‌های انسانی آفرینشگر و در چه شرایطی فقط مخرب است؟ یک بار دیگر باید به نظریه انتخاب چند سطحی بپردازیم، همانطور که رقابت بین گروهی باعث تقویت همکاری می‌شود و رقابت درون گروهی آن را از بین می‌برد، جنگ خارجی یعنی جنگ بین جوامع نیرویی برای آفرینش مخرب است و جنگ داخلی جنگ درون جوامع صرفا ویرانگر... چیزی که جنگ را آفرینشگر می‌کند این نیست که چه تعدادی از افراد کشته شده‌اند، آنچه اهمیت دارد تاثیرش بر تکامل فرهنگی است. جنگ فقط زمانی یک نیروی تکاملی آفرینشگر است که منجر به برتری برخی ویژگی‌های فرهنگی نسبت به دیگران شود.»

پیام اصلی کتاب «فراجامعه» این است که همکاری گسترده انسانی نتیجه تصادف یا ویژگی صرفا اخلاقی انسان نیست، بلکه محصول فرآیندهای تکاملی و تاریخی است. نهادهایی مانند قانون، مذهب، هنجارهای اخلاقی و ساختارهای دولتی در طول تاریخ شکل گرفته‌اند تا همکاری در مقیاس بزرگ را امکان‌پذیر و پایدار کنند. با این حال، زمانی که این نهادها تضعیف شوند یا نابرابری اجتماعی بیش از حد افزایش یابد، جوامع ممکن است وارد دوره‌هایی از تنش و بی‌ثباتی شوند.

کتاب «فراجامعه» از این جهت اهمیت دارد که تلاش می‌کند تاریخ را نه فقط به عنوان روایت رویدادها، بلکه به عنوان پدیده‌ای قابل مطالعه علمی بررسی کند. تورچین با ترکیب داده‌های تاریخی گسترده و مدل‌های علمی، سعی دارد الگوهای تکرارشونده در تاریخ جوامع انسانی را شناسایی کند و توضیح دهد که چرا برخی تمدن‌ها رشد می‌کنند و برخی دیگر دچار افول می‌شوند.

کتاب «فراجامعه» نوشته پیتر تورچین با ترجمه محمود فرشته‌نژاد در ۳۸۳ صفحه توسط نشر علم منتشر شده است.



نعمت‌الله فاضلی، انسان‌شناس و جامعه‌شناس:

خواندن، سرعت‌گیر جنگ‌هاست

نگاهی به آمارهای شگفت‌انگیز بازدیدهای میلیونی و اثرگذاری هوشمندانه انیمیشن‌های لگویی بر مخاطب غربی

لگو علیه امپریالیسم









بعد از جنگ تحمیلی سوم، جهان شاهد ظهور پدیده‌ای بود که مرزهای میان سرگرمی و فناوری و جنگ روایت را به کلی جابه‌جا کرد. جنگ رسانه‌ای میان ایران و آمریکا که پیش از این در قالب بیانیه‌های رسمی و گزارش‌های خبری سنتی یا دیپ فیک‌ها دنبال می‌شد، به ناگاه به عرصه‌ای جدید و غیرمنتظره، یعنی دنیای فانتزی آجرهای پلاستیکی لگو کوچ کرد. ویدیوهای تولید شده Explosive Media که با بهره‌گیری از هوش مصنوعی مولد ساخته شده‌اند، به چنان سطحی از وایرال شدن جهانی رسید که تحلیل‌گران رسانه‌ای از آن به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و موفق‌ترین کمپین‌های جنگ اطلاعاتی نامتقارن در تاریخ معاصر یاد می‌کنند.

داده‌ها نشان دهنده ابعاد بی‌سابقه دیده شدن این انیمیشن‌ها در سطح بین‌المللی است. طبق گزارش‌های منتشر شده، این ویدیوها تنها در هفته‌های ابتدایی آغاز درگیری‌ها، مجموعا بیش از ۱۴۵ میلیون بازدید در پلتفرم‌های مختلف داشتند. این حجم از مخاطب برای محتوایی که ریشه در یک نهاد رسانه‌ای غیرغربی دارد، نشان دهنده شکسته شدن انحصار روایتگری در فضای مجازی است. این آمارها فراتر از یک موفقیت گذرا، نشان‌دهنده نفوذ این محتوا به لایه‌های مختلف جوامع غربی است. برخلاف روایت‌های سنتی که معمولا در حباب‌های خبری خاص محصور می‌مانند، انیمیشن‌های لگویی ایران توانستند از شکاف‌های سیاسی در آمریکا عبور کرده و همزمان توسط هواداران جنبش MAGA، لیبرال‌ها و حتی مخالفان جدی سیاست‌های ایران بازنشر شوند.

تحلیلگران غربی گفتند: «اسب تروآ» درویدیوهای لگویی

یکی از کلیدی‌ترین دلایل وایرال شدن این ویدیوها، انتخاب هوشمندانه فرم بصری آنهاست. استفاده از فیگورهای لگو به عنوان یک زبان جهانی عمل می‌کند که از مرزهای زبانی و فرهنگی عبور می‌کند. کارشناسان رسانه‌ای معتقدند لگو به دلیل پیوندهای عمیقی که با مفهوم نوستالژی، کودکی و شادی دارد، به طور ناخودآگاه گارد دفاعی مخاطب را پایین می‌آورد. مارکوس کولگا، متخصص برجسته کانادایی در زمینه تبلیغات، این رویکرد را درخشان توصیف کرده و معتقد است که موقعیت‌های مضحک به تصویر کشیده می‌شود، هدف نه باورپذیر کردن آن صحنه، بلکه ایجاد یک تصویر ذهنی ماندگار از شکست و انزوای اوست.

تیم سازنده و نسل جدید استراتژیست‌های دیجیتال

تیم سازنده گروهی موسوم به رسانه انفجاری است که از سال ۲۰۲۵ فعالیت خود را آغاز کرده. این تیم متشکل از ۱۰ جوان خلاق در بازه سنی ۱۹ تا ۲۵ سال است که تسلط بالایی بر ابزارهای هوش مصنوعی و فرهنگ عامه غرب دارند. رهبر این گروه که با نام مستعار مستر انفجاری در رسانه‌ها شناخته می‌شود، توضیح می‌دهد که آنها تیمی مستقل از دانشجویان و فعالان اجتماعی هستند.

این نسل جدید از تولیدکنندگان محتوا درک عمیقی از الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی دارند. آنها می‌دانند که برای دیده شدن در دنیای امروز، محتوا باید ویژگی‌های خاصی داشته باشد. سرعت عمل این تیم به گونه‌ای است که گاهی تنها چند ساعت پس از یک رویداد نظامی یا سیاسی، انیمیشن لگویی مربوط به آن را منتشر می‌کنند.

تعهد به حقایق در کنار خلاقیت بی‌مرز

یکی از وجوه تمایز رسانه انفجاری که در گزارش‌های بین‌المللی نیز به آن اشاره شده، تلاش آنها برای گنجاندن فکت‌ها و حقایق تاریخی در دل انیمیشن‌های فانتزی است. سازندگان توضیح می‌دهند که فعالیت آنها نوعی مقاومت در برابر فراواقعیت است که توسط رسانه‌های غربی ساخته می‌شود. آنها با استفاده از خلاقیت بصری، به موضوعاتی مثل قربانیان حملات هوایی، اسناد فساد مالی و اخلاقی سیاستمداران غربی و تبعیض‌های نژادی در آمریکا می‌پردازند.

این تیم با هوشمندی، موضوعاتی را انتخاب می‌کند که در خود جامعه آمریکا مورد بحث و مناقشه است. به عنوان مثال، پیوند جنگ ایران با پرونده جفری اپستین یا بحران‌های اقتصادی داخلی آمریکا، باعث شده که مخاطب آمریکایی حس کند این ویدیوها حرف دل او را می‌زند. این صداقت بی‌مرز باعث شده که حتی منتقدان سرسخت ایران نیز اعتراف کنند که این ویدیوها دست روی نقاط حساس و واقعی گذاشته‌اند.

سانسور بین‌المللی در زمین پلتفرم‌ها از سوی مدعیان آزادی بیان!

موفقیت گسترده این ویدیوها باعث واکنش‌های تنبیهی از سوی غول‌های فناوری شده است. یوتیوب در اقدامی جنجالی، حساب کاربری رسانه انفجاری را مسدود کرد. برخی گزارش‌ها نیز از مسدود شدن موقت حساب‌های این تیم در اینستاگرام خبر داده‌اند. این اقدامات نه تنها باعث کاهش دیده شدن ویدیوها نشد، بلکه موجی از انتقادات را نسبت به استانداردهای دوگانه آزادی بیان برانگیخت. مقامات ایرانی و تیم سازنده، این سانسور را نشانه‌ای از ترس غرب از روایت‌های رقیب و شکست در نبرد اطلاعاتی توصیف کرده‌اند. تحلیل‌گران این ویدیوها را به دلیل ماهیت دیجیتالی و هوش مصنوعی، به جیوه تشبیه کرده‌اند؛ به محض مسدود شدن در یک پلتفرم، در هزار جای دیگر و با نام‌های متفاوت ظاهر می‌شوند.

معماری نوین دیپلماسی فرهنگی

پدیده انیمیشن‌های لگویی ایران فراتر از یک ترند زودگذر، نشان‌دهنده تغییر رویه در دیپلماسی عمومی و جنگ‌های رسانه‌ای است. در جهانی که اعتماد به رسانه‌های رسمی به شدت کاهش یافته، طنز، فناوری و خلاقیت بصری به سلاح‌های اصلی برای تسخیر افکار عمومی تبدیل شده‌اند. موفقیت رسانه انفجاری ثابت کرد که یک تیم کوچک و خلاق می‌تواند با هزینه‌ای ناچیز و با بهره‌گیری از ابزارهای نوین، روایت‌های یک قدرت جهانی را در حیاط خلوت خودش به چالش بکشد.

این انیمیشن‌ها نه تنها تصویری مقتدر از ایران در میدان نبرد دیجیتال ارائه داده‌اند، بلکه توانسته‌اند با استفاده از زبان هنر و سرگرمی و تکنولوژی، پیام‌های سیاسی پیچیده را به دورترین نقاط جهان برسانند. این تجربه، مدل جدیدی از جنگ نرم را معرفی کرد که در آن آجر به آجر لگو، در حال ساختن بنای جدیدی از نفوذ فرهنگی و سیاسی ایران در عصر هوش مصنوعی است. این پیروزی در فضای مجازی، به تعبیر بسیاری از ناظران، به اندازه هر موفقیت میدانی دیگری اهمیت راهبردی دارد و می‌تواند الگویی برای دیگر کشورهای در حال توسعه در مقابله با هژمونی رسانه‌ای غرب باشد.

شخصیت‌های لگو به عنوان یک اینفلوئنسر کامل عمل می‌کنند که پیام‌های پیچیده سیاسی را در بسته‌بندی‌های بی‌خطر و جذاب به عمق ذهن مخاطب می‌فرستند.

طراحی بصری این انیمیشن‌ها که با استفاده از ابزارهای پیشرفته هوش مصنوعی انجام شده، به گونه‌ای است که میان واقعیت خشن جنگ و فانتزی کودکانه لگو تضاد ایجاد می‌کند. به تصویر کشیدن وقایعی چون بمباران‌ها، پرونده‌های جنجالی سیاسی مانند اسناد اپستین، یا فیگورهای رهبران جهان در قالب مینی‌فیگورهای پلاستیکی، نوعی طنز سیاه با کیفیت بالا ایجاد کرده است که برای مخاطب خسته از اخبار سنتی، بسیار جذاب به نظر می‌رسد.

تیم سازنده تنها به جنبه‌های بصری اکتفا نکرده، بلکه مهندسی صدا و موسیقی را به رکنی اصلی در استراتژی خود تبدیل کرده است. استفاده از موسیقی رپ، ضرب‌آهنگ‌های ترپ (Trap) و بازسازی آهنگ‌های مشهور پاپ دهه ۸۰ میلادی، باعث شده تا این ویدیوها به شدت با ذائقه شنیداری نسل Z، کاربران تیک‌تاک و البته همه پلتفرم‌ها همسو شوند.

تحلیل‌گران دانشگاه منچستر اشاره می‌کنند که این موسیقی‌ها به عنوان «اسب تروآ» عمل کرده‌اند؛ مخاطب آمریکایی ممکن است با محتوای سیاسی ویدیو مخالف باشد اما به دلیل گیرایی موسیقی، آن را تا انتها تماشا کرده و حتی بازنشر می‌کند. این رویکرد باعث شده که حتی کاربرانی که به اخبار علاقه ندارند، ترجیح دهند تحولات ژئوپلیتیک را از طریق آهنگ‌های این انیمیشن‌ها دنبال کنند!

رسانه‌های بین‌المللی چه گفتند؟

رسانه‌های بزرگ دنیا از جمله گاردین، نیویورکر و الجزیره، با شگفتی به تحلیل این پدیده پرداخته‌اند. گاردین در تحلیل‌های خود بر این نکته تاکید دارد که ایران در حال شکست دادن ایالات متحده در زمین بازی تکنولوژی و رسانه‌های اجتماعی است. این رسانه‌ها معتقدند که انیمیشن‌های لگویی ایران، آثار گریزناپذیر دوران جنگ هستند که توانستند روایت‌های ساختگی پنتاگون و کاخ سفید را به چالش بکشند. گاردین در این باره نوشت: «ایران در حال شکست دادن سرزمین برادران تکنولوژی در جنگ‌های رسانه‌ای است.»

برخی کارشناسان معتقدند هوشمندی این ویدیوها در این است که نیازی به واقع‌گرایی فیزیکی ندارند؛ بلکه روی واقعیت‌های پیچیده و عمیق و تداعی‌های ذهنی تمرکز می‌کنند. به عنوان مثال، وقتی ترامپ در کنار شخصیت‌های شرور یا در

در جشنواره بین‌المللی نیما یوشیج رونمایی می‌شود

اشعار منتشرنشده و کتاب‌های تازه از پدر شعر نو

نخستین جشنواره بین‌المللی نیما یوشیج که قرار بود در اردیبهشت امسال در ساری برگزار شود، به دلیل شرایط ناشی از جنگ اخیر، تعطیلی شیوه حضوری دانشگاه‌ها و برگزاری مجازی کلاس‌ها، به آبان سال جاری موکول شد.

به گزارش «آگاه»، مرتضی محسنی، دبیر علمی جشنواره و استاد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران از اتفاقات مهم حوزه کتاب در حاشیه این جشنواره خبر داد و گفت: یکی از مهم‌ترین بخش‌های این رویداد، رونمایی از یک مجموعه سه جلدی از اشعار نیما یوشیج است که تاکنون منتشر نشده‌اند. این مجموعه با مقدمه‌ای صد صفحه‌ای از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مرحله چاپ است و در روزهای جشنواره معرفی خواهد شد. نخستین جشنواره بین‌المللی نیما یوشیج با رویکرد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و ادبی، از سوی دانشگاه مازندران و با همکاری نهادهای علمی و فرهنگی برگزار می‌شود.

بی‌بی‌سی ساخت و بعد سانسور کرد

«غزه؛ پزشکان زیر آتش» جایزه گرفت

مستند «غزه؛ پزشکان زیر آتش» که پیشتر شبکه بی بی سی از پخش آن امتناع کرده بود، شامگاه یک‌شنبه در مراسم جوایز تلویزیونی بفتا، جایزه بهترین برنامه رویدادهای جاری را از آن خود کرد.

به گزارش «آگاه»، این مستند که درباره هدف قرارگرفتن سیستماتیک کادر درمان و مراکز پزشکی در نوار غزه است، ابتدا با بودجه بی بی سی تولید شد، اما این شبکه در ژوئن ۲۰۲۵ با اشاره به نگرانی درباره «شائبه جانبداری»، از پخش آن صرف‌نظر کرد. در نهایت، کانال ۴ بریتانیا این فیلم را روی آنتن برد.

«غزه؛ پزشکان زیر آتش» روایت دست اول پزشکان، پرستاران و نیروهای امدادی غزه در جریان جنگ و حملات اسرائیل به این منطقه است و تلاش می‌کند شرایط دشوار نظام درمانی غزه و وضعیت کادر پزشکی را در میانه بحران انسانی به تصویر بکشد.

رامیتا نوایی، روزنامه نگار و مجری این مستند، هنگام دریافت جایزه بفتا گفت: «این جایزه برای ما بسیار ارزشمند است. بی بی سی هزینه ساخت این مستند را تامین کرد، اما حاضر به پخش آن نشد. با این حال، ما حاضر نشدیم در برابر سانسور سکوت کنیم.»

مدیر نشر شکوفه:

«روزی روزگاری ایران» فقط درباره پیروزی و شکست نیست

مجموعه «روزی روزگاری ایران» نوشته مهدی میرکیایی ۹ داستان با محوریت ۹ جنگ مهم و تاثیرگذار تاریخ ایران است که از سوی کتاب‌های شکوفه (واحد کودک و نوجوان انتشارات امیرکبیر) برای نوجوانان منتشر شده است. این آثار را جمعی از تصویرگران کشور همچون مریم فاضلی، عاطفه فتوحی، مریم محمودی‌مقدم، زهرا جعفری‌سرابی و زهرا زرین‌پور تصویرگری کرده‌اند.

به گزارش «آگاه»، «روزی روزگاری ایران» از جنگ و تجاوز دشمن خارجی به سرزمین ایران می‌گوید؛ به خاک و به آبش. نویسنده، تاریخ را وسط میدان کلماتش گذاشته است و داستان‌هایی تخیلی حول آن خلق کرده تا از طریق داستان و ادبیات نوجوانان ایرانی را با تاریخ کشورشان آشنا کند؛ به‌ویژه در شرایط فعلی که بار دیگر این خاک مقاوم مورد هجوم دشمن بیگانه قرار گرفته است.

مدیر نشر شکوفه در مورد انتشار مجموعه کتاب جدید «روزی روزگاری ایران» می‌گوید که این مجموعه با هدف آشنایی نوجوانان با تاریخ معاصر و رشادت‌های این مرز و بوم، در قالب ۹ داستان پیرامون ۹ جنگ مهم تاریخ ایران به قلم مهدی میرکیایی تولید شده است. او اشاره کرد که ایده این اثر پس از مجموعه «سرداران ایران‌زمین» شکل گرفت، با این تفاوت که در اینجا تمرکز اصلی بر خود جنگ‌های تحمیلی، زیرکی ایرانیان و نقش نوجوانان در میانه این رویدادهای واقعی و تخیلی است.

او می‌افزاید که هدف این کتاب‌ها فقط روایت پیروزی نیست، بلکه نمایش ایستادگی و بقای ایران در طول تاریخ است؛ به طوری که نشان می‌دهد به‌رغم تمام سختی‌ها، عاقبت متجاوزان و استعمارگران چیزی جز ویرانی نبوده است.

سید عارف علوی همچنین خاطرنشان کرد که فرآیند تولید این مجموعه حدود دو سال به طول انجامید و انتشار آن در اوایل امسال، با شرایط حساس منطقه و هجمه‌های بیگانه همزمان شده است تا روحیه حماسی و هویت ملی را در نسل جدید تقویت کند.

رسول صدرعاملی:

«قاتل و وحشی» می‌تواند در وضعیت اکران‌ها تاثیرگذار باشد

رسول صدرعاملی در پاسخ به سوالی درباره تاثیر اکران آثاری چون «قاتل و وحشی» در وضعیت اکران‌های امروز سینماها و اینکه آیا با این اقدام شاهد اتفاق‌های خوب در سینما خواهیم بود؟ اظهار کرد: به طور قطع تاثیر می‌گذارد. مردم ما سینما را دوست دارند، مردم قصه دوست دارند و ما مردم قصه‌گو، قصه‌پرداز و رویاپردازی هستیم.

او افزود: ما با تخیلات خود به شکل درست زندگی کردیم و آرامش می‌گیریم و ادامه می‌دهیم. مامن سینما، کشور ایران است. همه جای دنیا، سینما است و بچه‌ها در اینجا (ایران) با جان و دل و تمام توان خود کار می‌کنند تا بهترین باشند؛ با توجه به روایت‌های بسیار درخشانی که دارند و هیچ جای جهان این چنین نیست و امیدوارم سینما زنده بماند و زنده می‌ماند. این کارگردان و تهیه‌کننده سینما درباره وضعیت اکران این روزهای سینما خاطرنشان کرد: به طور طبیعی، اکران‌های مناسبی نیست، در واقع و به‌حق، مردم ملاحظه می‌کنند و محتاط هستند به آمدن به سینما تا تکلیف حملات ناگهانی، نابهنگام و ناجوانمردانه دشمن روشن شود که بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای شهر بمباران می‌شود.

صدرعاملی گفت: به همین دلیل، اولین جایی که قربانی می‌شود مکان‌های عمومی همچون تئاتر، سینما و ورزشگاه‌هاست و این مکان‌ها باعث آرامش مردم و به ذوق آمدن آنها برای یک زندگی خوب شهری است. او که می‌گوید چند طرح و ایده برای ساخت آثار سینمایی دارد اما هنوز به قطعیت نرسیده، امیدوار است تا یکی دو ماه آینده این ایده‌ها قطعی و شرایط به گونه‌ای شود که بتوانیم کار انجام دهیم. کارگردان فیلم سینمایی «زیبا صدایم کن» تاکید کرد: تولید بسیار گران شده است. کارهای مستقل، خوابیده است. بخش خصوصی هم که از ابتدا فرصت نشد بخش خصوصی قدرتمندی در سینما داشته باشیم تا پا بگیرد و روی پای خود بایستد و تصمیم‌گیرنده برای تولید و سینما شود. باید حسرت آن را بخوریم که این بخش اکنون توان تولید ندارد.

از هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران

ثبت‌نام ناشران خارجی آغاز شد

قائم‌مقام نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: فرآیند ثبت نام ناشران خارجی برای حضور در هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران از طریق سامانه Register-int.tibf.ir آغاز شده است. ناشران، نمایندگان رسمی و موزعان دارای مجوز می‌توانند با بارگذاری مدارک و اطلاعات کتاب‌های خود در این رویداد فرهنگی شرکت کنند.

ابراهیم حیدری، قائم‌مقام نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران از آغاز ثبت‌نام ناشران خارجی برای حضور در هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران ۱۴۰۵ خبر داد. حیدری درباره فرآیند ثبت‌نام این ناشران گفت: فرآیند ثبت نام ناشران خارجی از طریق سامانه Register-int.tibf.ir آغاز شده است. ناشران، نمایندگان رسمی و موزعان دارای مجوز می‌توانند با بارگذاری مدارک و اطلاعات کتاب‌های خود در این رویداد فرهنگی شرکت کنند.

قائم‌مقام نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران افزود: در بخش ناشران خارجی، آثار لاتین و عربی عرضه خواهد شد و تمامی کتاب‌ها پیش از ورود به سامانه فروش، از نظر اصالت و محتوای فرهنگی مورد ارزیابی و تایید کارشناسان قرار خواهند گرفت.

مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران همچنین ادامه داد: عرضه کتاب‌های اصل، رعایت ضوابط فرهنگی، شفافیت در قیمت‌گذاری و همکاری با بخش نظارت از الزامات حضور ناشران خارجی در نمایشگاه امسال است. ابراهیم حیدری در ادامه درباره تخفیف‌ها و حمایت‌های پیش‌بینی شده برای مخاطبان گفت: کتاب‌های منتشرشده در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ با ۱۰ درصد تخفیف ناشر و ۱۰ درصد یارانه معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عرضه می‌شوند. کتاب‌های سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵ شامل ۲۵ درصد تخفیف و ۱۰ درصد یارانه خواهند بود و آثار منتشرشده بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲ نیز با ۵۰ درصد تخفیف ناشر به مخاطبان ارائه می‌شوند. هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران از بیست‌وششم اردیبهشت تا دوم خرداد (۱۴۰۵) با شعار «بخوانیم برای ایران» در نشانی book.icfi.ir برگزار می‌شود.



دو توصیه برای خرید از نمایشگاه مجازی کتاب هفتم

به انتخاب رهبر شهید

رهبر شهید انقلاب در چند نوبت توصیه به مطالعه رمان «بینوایان» ویکتور هوگو کرده و آن را برترین رمان نوشته شده در طول تاریخ خوانده بودند.

یکی از ویژگی‌های شخصیتی شهید حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (ره)، کتابخوانی مداوم بود. ایشان به عنوان رهبری اندیشمند و سیاست‌مداری خبره و همچنین یک انقلابی مبارز، هیچگاه عادت‌های منظم مطالعاتی خود را ترک نکردند و عمرشان در مطالعه عمیق و گسترده سپری شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (قدس سره) در طول سالیانی که رهبری امت را برعهده داشتند، بارها در سخنرانی‌ها، پیام‌ها و تقریظ‌های خود، کتاب‌های متعددی را به مردم توصیه کردند. این کتاب‌ها در موضوعات گوناگونی قرار می‌گیرند؛ از تاریخ اسلام و دفاع مقدس گرفته تا ادبیات کلاسیک جهان، خاطرات شهدا، اندیشه سیاسی و فلسفه. در پیش بودن هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران، فرصتی است تا سری به قفسه کتاب‌هایی بزنیم که رهبر شهید خواندن آنها را شایسته می‌دانست.

قائد شهید امت در دیداری به تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۷۲ با مسئولان برگزارکننده هفته دفاع مقدس، درباره رمان «بینوایان» ویکتور هوگو چنین فرموده بود: «یادم افتاد که ویکتور هوگو در «بینوایان» اگر خوانده باشید شرح جنگ‌های «ناپلئون» را می‌دهد. یعنی بخشی از جنگ‌های ناپلئون را شرح می‌دهد. به اعتقاد من ویکتور هوگو بهترین صحنه‌ها را در بیان حرف‌های خودش تصویر کرده است. ویکتور هوگو یک حکیم است. ویکتور هوگو یک نویسنده معمولی نیست. واقعا به همان معنایی که ما مسلمانان «حکیم» را استعمال می‌کنیم و به کار می‌بریم، یک حکیم است و بهترین حرف‌هایش را در بینوایان زده است. بینوایان هم یک کتاب حکمت است و به اعتقاد من، همه باید بینوایان را بخوانند.»

همچنین در متنی که چهارم تیر ۱۴۰۳ در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (قدس سره) با تیتر «بینوایان»؛ بیدار شدن از خواب وهم‌آلود تجسم عدالت» منتشر شده، چنین آمده است: «به نظر من بینوایان ویکتور هوگو برترین رمانی است که در طول تاریخ نوشته شده است. من همه رمان‌های طول تاریخ را نخوانده‌ام، شکی در این نیست، اما من مقدار زیادی رمان خوانده‌ام که مربوط به حوادث قرن‌های گوناگون هم هست. بعضی رمان‌های خیلی قدیمی را هم خوانده‌ام. مثلا فرض کنید کمدی الهی را خوانده‌ام. امیرارسلان هم خوانده‌ام. الف لیله و هزارو یک شب را هم خوانده‌ام. وقتی نگاه می‌کنم به این رمانی که ویکتور هوگو نوشته، می‌بینم این چیزی است که اصلا امکان ندارد هیچ کس بتواند بهتر از این بنویسد یا نوشته باشد و معروف نباشد و مثل منی که در عالم رمان بوده‌ام، این را ندیده باشم یا اسمش را نشنیده باشم... من می‌گویم بینوایان یک معجزه است در عالم رمان‌نویسی، در عالم کتاب‌نویسی. واقعا یک معجزه است... من به همه جوان‌ها توصیه می‌کنم، نه حالا که دارم با شما صحبت می‌کنم، بارها این را گفته‌ام. زمانی که جوان‌ها زیاد دور و بر من می‌آمدند قبل از انقلاب، بارها این را گفته‌ام که بروید یک دور حتما بینوایان را بخوانید. این بینوایان کتاب جامعه‌شناسی است، کتاب تاریخی است، کتاب انتقادی است، کتاب الهی است، کتاب محبت و عاطفه و عشق است.»

به انتخاب حاج قاسم

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، فرمانده نام‌آشنای جبهه مقاومت، افزون بر ابعاد رزمی و مدیریتی خود، به مطالعه‌ای عمیق و مستمر شهره بود. او همواره یاران و علاقه‌مندان و همچنین جوانان ایرانی را به کتاب‌خوانی توصیه می‌کرد و بر برخی آثار نیز تقریظ می‌نوشت. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در یادداشتی به سال ۱۳۹۷ چنین توصیه کرد: «این کتاب «الغارات» را که قدیمی‌ترین کتاب شیعه هست بخوانید. حتما بخوانید. مقتل کامل است. اگر آن را بخوانید، امروز برای این حکومتی که در استمرار حکومت علی بن ابیطالب هست، آگاهانه‌تر و بدون تعصبات فردی و حزبی نگاه می‌کنیم، نظر می‌دهیم و دفاع می‌کنیم.»





حشمت‌الله عسگری، معاون اقتصادی استاندار تهران:

قیمت‌های نامتعارف نباید اتفاق بیفتد؛ مردم بهترین ناظران هستند و ما هم برخورد می‌کنیم

به دستور وزیر آموزش و پرورش انجام خواهد شد

تخلیه فضاهای اداری برای استقرار دانش‌آموزان مدارس تخریبی



با دستور وزیر آموزش و پرورش قرار شده، تمام فضاها حتی فضاهای اداری تخلیه شود تا دانش‌آموزان مدارس تخریبی جنگ بتوانند برای ادامه تحصیل در آنجا مستقر شوند.

پس از اینکه در دوره جنگ تحمیلی سوم، برخی مدارس نیز مورد هجوم دشمن قرار گرفت و به طور کامل تخریب شد؛ وزیر آموزش و پرورش دستور داد تا تمام فضاها حتی فضاهای اداری تخلیه شود تا این دانش‌آموزان بتوانند برای ادامه تحصیل در آنجا مستقر شوند.

در این باره، حمیدرضا خان محمدی، رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور در خصوص نحوه ساماندهی آموزشی دانش‌آموزانی که مدارس آنها به طور کامل در جنگ تخریب شده است در یک گفت‌وگوی تلویزیونی بیان کرد: مدارس جزء اولین مراکزی بودند که در جنگ تحمیلی سوم مورد اصابت قرار گرفتند. در درگیری اخیر نیز برخی مدارس ما در میناب و هرمزگان تحت تاثیر درگیری که در تنگه هرمز بود قرار گرفتند. وی افزود: حدود ۱۵۰۰ فضای آموزشی و غیرآموزشی ما در این جنگ ۴۰ روزه مورد آسیب قرار گرفت که از این میان حدود ۱۲۸۸ مدرسه بودند که تحت تاثیر قرار گرفت و ۱۶ مدرسه به طور کامل با اصابت مستقیم در شهر خمین، میناب، بانه و شهرهای دیگر تخریب شد. این ۱۶ مدرسه نیاز به تخریب و بازسازی و مقاوم‌سازی دارند.

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور درباره مدارس نیازمند تعمیرات نیز بیان کرد: هشتم فروردین جلسات این امر را برگزار کردیم تا بازسازی جزئی در درجه اول توسط گروه‌های مردمی که اعلام آمادگی کرده بودند، انجام شود. حدود ۱۰۱۸ مدرسه تا امروز بازسازی و تعمیرات جزئی داشتند و انجام شده است. حدود ۲۵۴ مدرسه باقی مانده است که بخشی از این امر به دلیل این است که این مدارس در نزدیکی برخی مراکز قرار دارند و از این جهت اقدام نشده است. تا آخر تیر باقی را نیز نهایی خواهیم کرد تا فضا برای استقرار آموزش در مدارس و برگزاری آموزش‌های حضوری در تابستان مهیا شود.

خان محمدی با بیان اینکه تعدادی از ۱۶ مدرسه تخریب شده نیازمند مقاوم‌سازی سازه و تعمیر دیوارهای میانی هستند و باقی نیازمند تخریب و بازسازی کامل‌اند، ادامه داد: احتمالا آن دسته از مدارسی که از بین این ۱۶ مدرسه نیازمند مقاوم‌سازی هستند را می‌توانیم مقاوم‌سازی کرده و برای آموزش دانش‌آموزان مهیا کنیم، اما مدارسی که کاملا تخریب شده‌اند را احتمالا باید برای سال آینده در فضای دانش‌آموزی قرار گیرند.

۱۰۱۸ مدرسه تعمیر شد

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور با بیان اینکه ۱۰۱۸ مدرسه الان آماده و تعمیر شده است و باقی مدارس را تا پایان تیر تحویل خواهیم داد، تصریح کرد: همکاران ما هم در آموزش مجازی و هم در کارهای جهادی زحمت کشیدند. شب‌ها «کلاس در میدان» و «مدرسه در میدان» را راه‌اندازی کردند و کلاس‌های رفع اشکال برگزار کردند که کار بزرگی بود. همانند زمان کرونا که معلمین در تخت بیمارستان آموزش را تعطیل نکردند، در این شرایط نیز آموزش را تعطیل نکردند.

وی در بخش دیگر سخنان خود درباره کمک خیرین برای بازسازی و تعمیرات مدارس آسیب دیده در جنگ تحمیلی سوم، خاطرنشان کرد: در حوزه تعمیرات با کمک انجمن اولیا و مربیان، گروه‌های جهادی، گروه‌های مردمی، شهرداری‌ها و فرمانداری‌ها توانستیم بسیاری از مسائل را حل کنیم. مشارکت از لحاظ ریالی شاید فقط در حد تعمیر شیشه بود و باقی را خود عزیزان انجام می‌دادند.

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور یادآور شد: درباره سایر مدارس نیز سامانه بساز مدرسه برای جلب مشارکت‌های مردمی داریم که برای ساخت این ۱۶ مدرسه باید از این ظرفیت استفاده می‌کردیم. تمام مجامع خیرین استانی ما و مدیران عامل در ساخت مدرسه میناب مشارکت داشتند. هلدینگ‌های مختلف اعم از هلدینگ خلیج فارس در این پروژه‌ها با ما مشارکت داشتند.

خان محمدی در بخش دیگر سخنان خود درباره مدرسه میناب توضیح داد: در میناب دو مدرسه و یک مرکز پیش دبستانی و مجموعا سه فضای آموزشی آسیب دیده بود. این مراکز پشت به هم بودند، دو حیاط مجزا، یک دبستان پسرانه و یک دبستان دخترانه و بخشی هم پیش دبستانی بود که مورد اصابت مستقیم قرار گرفت و صحنه تلخی بود. روزهای اول که فضا سخت بود با تعدادی از خیرین آنجا رفتیم، شهباتی مطرح می‌کردند اما خیرین رفتند و از نزدیک مشاهده کردند که دشمن آگاهانه این مدرسه را مورد هدف قرار داده است و ۱۶۸ عزیز را از ما گرفتند. تصمیم بر این شد برای اینکه بماند چه جنایتی رخ داده، آن مدرسه به موزه تبدیل شود. وی ادامه داد: قرار شد در فضایی مدرسه میناب، دو مدرسه ۱۲ کلاسه شامل دبستان پسرانه و دخترانه و دو مقطع پیش دبستانی شود. افراد مختلفی از اعداد بسیار کم تا کمک نیروی انسانی کمک کردند. از ۱۵۰ میلیارد تومانی که پیش‌بینی شده بود، ۱۴۱ میلیارد تومان از چند درگاه مختلف جمع‌آوری شده است. مجامع خیرین مدرسه ساز کل کشور اعلام کردند ۱۶۸ فضا اعم از آموزشی و ورزشی به نام شهدای میناب نام‌گذاری و احداث کنند. طی تفاهمی با سازمان انرژی‌های پاک قرار شد ۱۶۸ نیروگاه ۲۰ کیلوواتی به نام شهدای میناب در مدارسی که آسیب دیدند در جنگ، بعد از بازسازی قرار دهیم.

خان محمدی عنوان کرد: برای طراحی معماری مدرسه جدید میناب فراخوان داده‌ایم و یک مسابقه طراحی کرده‌ایم. بین مدرسه‌ای که آسیب دیده و مدرسه‌ای در حال ساخت و گلزار شهدایی که برای بچه‌های میناب در حال ساخت است، قرار است از لحاظ معماری یک همنوایی و یکپارچگی برقرار شود. در تمام مدارسی که به نام شجره طیبه در استان‌ها ساخته می‌شود، یادمانی از شهدای دانش‌آموز شجره طیبه نصب خواهد شد. برای این امر هم فراخوان داده‌ایم.

وی افزود: در خصوص مدرسه میناب به جز فضای متوسطه اول و دوم، خیر عزیزی یک هنرستان بزرگ می‌خواهند به نام شهید ماکان نصیری بسازند. پیش بینی ما این است که ۱۸ ماه این پروژه ساخت مدرسه جدید میناب طول بکشد، چراکه معماری آن و همنوایی مدرسه جدید، یادمان و گلزار شهدای دانش‌آموزان زمان می‌برد و در جلسات مربوطه اساتید دانشگاه و دوستان از وزارت راه حضور دارند. پیش بینی ما این است که در مهر ۱۴۰۶ اگر اتفاقات خاصی رخ ندهد، دانش‌آموزان میناب می‌توانند از آن مدرسه که در فضایی در کنار مدرسه قبلی است، استفاده کنند.

بحران گرانی داروها پس از جنگ‌های تحمیلی، مشکلات بسیاری برای مردم و داروخانه‌ها ایجاد می‌کند

درد دارو در جامعه



وقتی وارد داروخانه می‌شوی، دیگر کسی مستقیم سراغ نسخه نمی‌رود. مسئول داروخانه پیش از آنکه داروها را از قفسه بیرون بیاورد، قیمت‌ها را آرام و شمرده اعلام می‌کند؛ انگار که پیشاپیش خود را برای واکنش بیمار آماده کرده باشد.

مکالمه این روزهای داروخانه‌داران و بیماران این است: «فلان دارو چند است؟ ایرانی‌اش را هم دارید؟ مگه با بیمه حساب نمی‌شود؟ فعلا نمی‌خواهم. باشد برای بعد. می‌شود فعلا ایرانی همان را بدهید؟ می‌شود فعلا یکی از داروها را بگیرم؟ چقدر گران شده؟! ماه پیش همان را فلان قدر خریدم.» اگر به داروخانه بیماران خاص مراجعه شود، غم و نگرانی که در چهره همراهان بیمار دیده می‌شود. بیشتر از داروخانه‌های دیگر است. اینجاست که یاد صحبت رهبر شهید می‌افتیم: «بیمار جز رنج بیماری نباید درد دیگری داشته باشد.»

به گزارش «آگاه»، از زمان جنگ ۴۰ روزه همان موقع که صنعت داروسازی ایران خسارت دید، قیمت داروها نیز به طور فزاینده‌ای افزایش پیدا کرد. این موضوع را هادی احمدی، سخنگو و عضو هیات مدیره انجمن داروسازان ایران نیز تایید می‌کند و می‌گوید: امکان بازسازی برای برخی بخش‌های انستیتو پاستور وجود دارد، اما متاسفانه توفیق دارو به طور کامل تخریب شده و امکان مرمت و فعالیت آن وجود ندارد و باید از نو ساخته شود. از آنجا که این واحد برای تولید ماده اولیه داروهای بیمارستانی فعالیت می‌کرد، ممکن است در آینده خدشه‌ای به چرخه داروسازی وارد شود؛ با این حال همکاران به سرعت در حال برنامه‌ریزی برای بازسازی انستیتو پاستور هستند، اما در توفیق دارو تمامی تجهیزات از بین رفته است و جایگزین کردن آنها به بازشدن مسیر واردات بستگی دارد.

به همین دلیل این روزها داروخانه‌ها فقط محل فروش دارو نیستند؛ به میدان اضطراب و چانه‌زنی تبدیل شده‌اند. جایی که بیماران پیش از درمان، باید از پس شوک قیمت‌ها برآیند. افزایش هزینه‌های دارویی، کمبود برخی اقلام حیاتی و فشار ناشی از جنگ و بحران‌های اقتصادی، زندگی هزاران بیمار را تحت تاثیر قرار داده است؛ بیمارانی که میان درد بیماری و نگرانی تامین دارو گرفتار شده‌اند.

در ماه‌های اخیر، قیمت بسیاری از داروهای حیاتی، به‌ویژه داروهای بیماران سرطانی، رشد چشمگیری داشته است. داروهایی که تا چند سال پیش با حمایت بیمه قابل تهیه بودند، حالا برای بسیاری از خانواده‌ها به کالایی دست‌نیافتنی تبدیل شده‌اند. همزمان با افزایش هزینه واردات مواد اولیه، نوسانات ارزی و اختلال در زنجیره تامین ناشی از تنش‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای، بازار دارو نیز بیش از گذشته آسیب‌پذیر شده است.

بسیاری از بیماران حالا پیش از خرید دارو، ابتدا قیمت را می‌پرسند و بعد درباره تعداد بسته‌هایی که می‌توانند تهیه کنند تصمیم می‌گیرند. برخی نسخه‌ها ناقص خریداری می‌شوند و برخی بیماران درمان خود را به تعویق می‌اندازند. احمدی یکی از مسئولان داروخانه‌ای در مرکز شهر می‌گوید: قبلا بیمار نسخه را می‌داد و دارو را تحویل می‌گرفت، اما الان اولین سوال همه مراجعه‌کنندگان، قیمت است. حتی بعضی‌ها وقتی رقم را می‌شنوند، چند دقیقه همان‌جا می‌ایستند و با خانواده تماس می‌گیرند تا پول جور کنند. او ادامه می‌دهد: بیشترین مشکل مربوط به داروهای خاص و سرطانی است. بعضی داروها در عرض چند ماه چند برابر شده‌اند. بیمار وقتی برای تهیه یک دوره دارو باید ده‌ها میلیون تومان پرداخت کند، طبیعی است که شوکه شود.

سرگیجه دارویی

زن میانسالی که نسخه همسرش را در دست دارد، با شنیدن رقم داروی شیمی‌درمانی چند لحظه سکوت می‌کند. بعد آرام می‌پرسد: «بیمه چقدرش را کم می‌کند؟» و وقتی پاسخ را می‌شنود، نسخه را تا می‌کند و کنار می‌ایستد؛ نه برای انصراف، بلکه برای فکر کردن به اینکه این ماه کدام هزینه زندگی را باید حذف کند تا دارو تهیه شود.

او از روزی می‌گوید که برای خرید داروی شیمی‌درمانی به داروخانه مراجعه کرده بود؛ نسخه را داد. مسئول داروخانه اول قیمت را گفت. واقعا سرم گیج رفت. چند دقیقه فقط نگاهش کردم. احساس کردم بیماری از یک طرف فشار می‌آورد و قیمت دارو از طرف دیگر. او می‌گوید: سخت‌ترین لحظه وقتی است که بیمار نسخه را می‌گیرد و می‌گوید نمی‌تواند دارو را بخرد. ما هم کاری از دستمان برنمی‌آید. بعضی بیماران تصور می‌کنند داروخانه قیمت را بالا برده، در حالی که ما هم بخشی از همین بحران هستیم.

امید از بیماران گرفته می‌شود

افزایش قیمت دارو تنها یک مسئله اقتصادی نیست؛ موضوعی است که مستقیما بر سلامت و حتی امید بیماران اثر می‌گذارد. پزشکان هشدار می‌دهند که وقفه در مصرف دارو، به‌خصوص برای بیماران مبتلا به سرطان، می‌تواند روند درمان را مختل کند و شانس بهبود را کاهش دهد. برخی از سایت‌ها و اپلیکیشن‌ها هستند که برای یافتن دارو کمک می‌کنند. زهرا، ۵۳ ساله می‌گوید: از طریق این برنامه‌ها، گاهی برای تهیه دارو از اقوام خود در شهرهای دیگر کمک می‌گیرد. همان موقع هم می‌تواند قیمت را بپرسد و اگر خواست خرید کند ولی در کنار پول دارو باید هزینه حمل و نقل را هم بپردازد که این هم فشار مضاعفی خواهد بود تازه اگر دارو نیاز به دمای سرد نداشته باشد. زهرا می‌گوید گاهی از خرید دارو پشیمان می‌شوم. این در حالی است که این اتفاق بسیار خطرناک است، چون وقفه در درمان احتمال بازگشت بیماری را افزایش می‌دهد.

این روزها شبکه‌های اجتماعی پر شده از درخواست‌های کمک مالی برای خرید دارو؛ تصاویری که نشان می‌دهد بحران دارو دیگر فقط یک موضوع تخصصی در حوزه سلامت نیست، بلکه به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شده است.

خیلی از افراد هستند که اگر آشنایی داشته باشند یا جایی را سراغ بگیرند، حتما برای خرید دارو به افراد دیگر کمک می‌کنند برخی هم هستند که برای بیماران پول جمع می‌کنند. این دسته از بیماران، بیماری‌های خاص دارند. اما مشکل گرانی دارو تنها در بخش داروهای خاص نیست بلکه داروهای معمولی و پرمصرف هم گران شده‌اند. داروهای زیادی هستند که بدون نسخه و در تعداد زیاد توسط داروخانه‌داران به بیماران فروخته می‌شوند. داروهای مسکن، قند و غیره جزو پرمصرف‌ترین داروهاست. اما پس از جنگ تحمیلی دوم و سوم، بحران بر قیمت این داروها هم سایه انداخته است به نحوی که داروهای گران و پر مصرف کم کم از سبد خانواده‌ها حذف می‌شود. داروهای مکمل نیز وضعیت بدتری دارند این داروها را بیمه‌ها تقبل نمی‌کنند و رشد قیمت آنها بسیار زیاد بوده است. در جدولی که روزنامه «آگاه» منتشر کرده، فهرست برخی از این داروها با قیمت آنها ذکر شده است. در کنار داروها برخی اقلام پزشکی نیز افزایش قیمت شدیدی داشته‌اند مانند اشک مصنوعی رتلاک ادونسد که اگر پیدا شود ۳۰ عدد آن، یک میلیون و ۷۵۰ هزار تومان نرخ دارد!

تلاش برای کشیدن افسار قیمت

خبرهایی هم از تلاش برای کنترل قیمت شنیده می‌شود که باید دید چقدر اجرایی خواهند شد. عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی در گفت‌وگویی تلویزیونی به صراحت اعلام کرد که تامین ارز برای حوزه دارو آغاز می‌شود. آن چیزی که برای ما اهمیت دارو تامین بودجه کالاهای اساسی و داروی مردم است. دارو اولویت است و تمام تلاش‌مان این است که این اقلام از لحاظ تامین ارز مشکلی نداشته باشند.

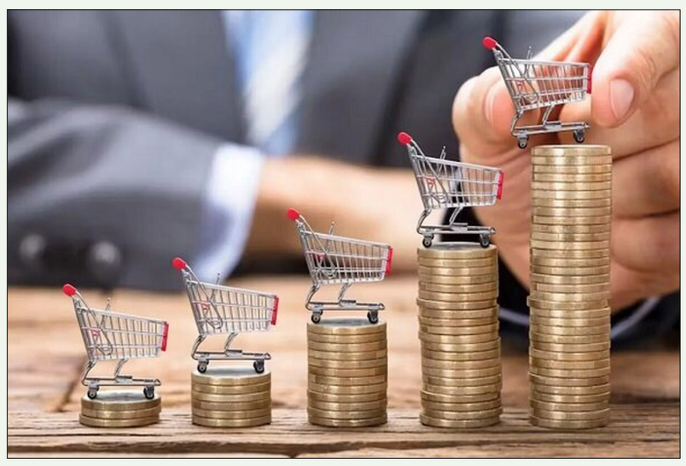
همچنین اکبر عبداللهی‌اصل، مدیرکل داروی سازمان غذا و دارو، در خصوص نحوه تخصیص ارز ترجیحی در سال جاری اعلام کرده که ارز تخصیص یافته ترجیحی به حوزه غذا و دارو برای سال ۱۴۰۵ برابر با سه میلیارد دلار بوده که سهم دارو و مواد اولیه از این مبلغ، ۱.۵ میلیارد دلار است و مابقی به شیرخشک، تجهیزات و ملزومات مصرفی پزشکی اختصاص دارد؛ اما حدود ۴۰۰ میلیون دلار از این مبلغ بابت تسویه حساب ترخیص‌های با حداقل اسناد دارو و مواد اولیه سال‌های گذشته مصرف خواهد شد.

قیمت برخی اقلام دارویی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

نام دارو	تعداد	قیمت
قرص کلسیم کلسی شور ویتان	جعبه ۲۰۰ عددی	۲۳۰ هزار تومان
متفورمین گلوکوفاژ	جعبه ۱۰۰ عددی	۵۰۰ هزار تومان
قرص آلفلکسیل آلفا ویتامینز	بسته ۶۰ عددی	دو میلیون تومان
کپسول هیرتامین ادونس فرمولا	۳۰ عددی	یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان
قرص جوشان ویتامین سی هانسال	یک بسته	۱۶۰ هزار تومان
کپسول لیکوئید کلسیم یورورویتال	۶۰ عددی	۷۰۰ هزار تومان
کپسول امیرازول ۲۰ میلی گرم	۲۸ عددی	۵۸ هزار تومان
استامینوفن کدئین	هر ورق	از ۵۳ تا ۷۳ هزار تومان
آمپول اوزمپیک	هر عدد	دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان
سیتارابین	هر بسته	۳۰۶ هزار تومان
زرافیل	هر عدد	دو میلیون و صد هزار تومان

از تنش‌های اخیر تا زندگی شهری در ایران

هزینه‌های پنهان جنگ تحمیلی



در فضای پرتنش امروز جهان، جنگ‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای، حتی اگر در دورترین نقاط جغرافیایی رخ دهند، تاثیرات عمیقی بر زندگی روزمره ما دارند. تنش‌های اخیر میان آمریکا و اسرائیل با ایران، هزینه‌های پنهانی را بر شهروندان و زیرساخت‌های شهری ما تحمیل می‌کند.

طاهره چرخ تابیان، کارشناس پژوهشی گروه مطالعات میادین میوه و تره بار، آرامستان‌ها و ساماندهی صنایع و مشاغل در مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران در یادداشتی به هزینه‌های پنهان جنگ و بررسی این هزینه‌ها پرداخت. او در این یادداشت هزینه‌های پنهان را شامل این موارد دانست:

۱- افزایش فشار تورم بر سفره‌های مردم

جنگ با ایجاد اختلال در تولید و زنجیره تامین، افزایش هزینه‌های دولتی و نظامی و کاهش ارزش پول ملی، تورم را به شدت تشدید می‌کند.

این تورم فزاینده منجر به کاهش چشمگیر قدرت خرید خانوارها شده و در نتیجه مردم توانایی کمتری برای تامین کالاهای اساسی مانند مواد غذایی و دارو پیدا کرده و الگوی مصرف آنها تغییر می‌کند، بنابراین به سمت صرفه جویی و حذف هزینه‌های غیرضروری سوق داده می‌شوند، که این امر به ویژه بر اقشار کم درآمد فشار مضاعفی وارد کرده و می‌تواند منجر به ناامنی غذایی و فقر بیشتر شود.

۲- افزایش قیمت انرژی و هزینه‌های زیست‌محیطی پنهان

جنگ با وارد کردن خسارت به زیرساخت‌های حیاتی شهری، مانند تاسیسات تولید و توزیع انرژی، شبکه‌های آب و فاضلاب و سیستم‌های حمل‌ونقل، منجر به افزایش قیمت و اختلال در ارائه خدمات شهری می‌شود. این تخریب‌ها، علاوه بر فشار مستقیم بر بودجه شهرداری‌ها و هزینه‌های زندگی شهروندان، اثرات زیست‌محیطی عمیقی نیز به همراه دارد. آلودگی ناشی از تخریب تاسیسات، نشت مواد سمی و افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای به دلیل استفاده از منابع انرژی جایگزین یا ناکارآمد، کیفیت هوا، آب و خاک را به شدت کاهش می‌دهد. بازسازی این زیرساخت‌ها و مقابله با عواقب زیست‌محیطی آن، نیازمند صرف هزینه‌های هنگفت و طولانی‌مدت است که فشار مضاعفی بر دوش جامعه وارد کرده و کیفیت زندگی شهری و سلامت محیط زیست را در بلندمدت به مخاطره می‌اندازد.

۳- اختلال در زنجیره تامین و نگهداری زیرساخت‌ها

در شرایط افزایش تنش، احتمال اختلال در زنجیره‌های تامین بین‌المللی بیشتر می‌شود. این موضوع می‌تواند بر توانایی کشور در تامین قطعات و تجهیزات مورد نیاز برای نگهداری و تعمیر زیرساخت‌های حیاتی شهری، مانند ناوگان حمل‌ونقل، سیستم‌های آب و فاضلاب و شبکه‌های برق، تاثیر بگذارد. هرگونه محدودیت در واردات قطعات یدکی می‌تواند منجر به خارج شدن از مدار ناوگان حمل‌ونقل، تاخیر در تعمیر تاسیسات فرسوده و در نهایت، کاهش کیفیت خدمات ارائه شده به شهروندان شود.

۴- تشدید فشار روانی و ناامنی عمومی

اخبار مربوط به تنش‌های منطقه‌ای و احتمال درگیری، به‌طور طبیعی، حس ناامنی و اضطراب را در جامعه افزایش می‌دهد. این فشار روانی می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوارها، روحیه عمومی و احساس تعلق به جامعه تاثیر منفی بگذارد. در چنین شرایطی، مردم ممکن است از سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت اجتناب کنند، هزینه‌های غیرضروری را کاهش دهند و حس بی‌ثباتی در جامعه افزایش یابد.

۵- تاثیر بر خدمات سلامت و رفاه اجتماعی

تنش‌های منطقه‌ای می‌تواند روند واردات دارو، تجهیزات پزشکی و مواد اولیه مرتبط را مختل کند. در شرایط تحریم، این تاثیرات تشدید شده و می‌تواند دسترسی شهروندان به خدمات بهداشتی و درمانی را با چالش مواجه سازد. کمبود احتمالی برخی داروها یا افزایش هزینه‌های درمانی، به‌خصوص برای اقشار آسیب‌پذیر، بار سنگینی را بر دوش خانواده‌ها خواهد گذاشت.

۶- کند شدن یا توقف پروژه‌های عمرانی و توسعه شهری

شرایط عدم قطعیت اقتصادی و امنیتی، معمولا تمایل به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بلندمدت و عمرانی را کاهش می‌دهد. در این میان، پروژه‌های شهری نیز ممکن است با کمبود بودجه، تاخیر در تامین منابع یا اولویت‌بندی مجدد مواجه شوند. این کندی در توسعه، به معنای تاخیر در بهبود کیفیت زندگی شهری، تکمیل پروژه‌های زیربنایی و ارائه خدمات بهتر به مردم است.

۷- تشدید نابرابری اجتماعی

در شرایط افزایش تنش و فشارهای اقتصادی ناشی از آن، اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر معمولا بیشترین سهم را از هزینه‌های پنهان جنگ متحمل می‌شوند. وابستگی بیشتر این گروه به خدمات یارانه‌ای و حساسیت بالاتر آنان به گرانی، شکاف اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند. افزایش هزینه‌های زندگی و کاهش دسترسی به خدمات، فشار مضاعفی بر گروه‌های کم‌برخوردار وارد کرده و زمینه‌ساز تنش‌های اجتماعی می‌شود. درگیری‌ها و تنش‌های منطقه‌ای، فارغ از موقعیت جغرافیایی‌شان، از طریق تشدید نوسانات اقتصادی، ایجاد اضطراب و ناامنی روانی در میان شهروندان و مختل کردن زنجیره‌های تامین کالا و خدمات ضروری (مانند انرژی، آب و مواد اولیه)، هزینه‌های پنهان و قابل توجهی را بر تاب‌آوری خدمات شهری و کیفیت محیط زیست در کلان شهرهای ایران تحمیل می‌کنند. این اختلالات می‌توانند به کاهش بودجه تخصیص یافته برای پروژه‌های زیست محیطی، افزایش آلودگی ناشی از کمبود منابع یا سوء مدیریت و کاهش کیفیت زندگی شهری منجر شود.



علیرضا رئیسی، معاون وزیر بهداشت:

تاکنون موردی از هانتاویروس در ایران گزارش نشده است

تجربه تازه بهزیستی از خانواده‌محوری

طرح «میزبان»؛ آغوش امن یا خانه‌ای موقت؟

مادری را تصور کنید که برای نخستین بار قاشق کوچک فرنی را به سمت دهان فرزندش می‌برد. او می‌داند فرنی نباید داغ باشد، می‌داند فوت کردن آن کار درستی نیست و لبخند کودک هنگام غذا خوردن، بهترین پاداش دنیاست. او بلد است چگونه کودک را برای خواب در آغوش تکان دهد و لالایی بخواند. حالا تصور کنید هزاران کودک در ایران حتی برای یک شب هم چنین تجربه‌ای ندارند. آنها الگوی خواب و بیداری را نه در آغوش یک مادر، بلکه در تخت‌های منظم و سرد شیرخوارگاه‌ها یاد می‌گیرند. سازمان بهزیستی سال‌هاست تلاش می‌کند این فاصله عاطفی را کاهش دهد و تازه‌ترین و جدی‌ترین اقدام آن، اجرای طرح «میزبان» است؛ طرحی که این روزها بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته، چرا که آمارها از استقبال گسترده و نتایج قابل توجه آن حکایت دارد.



طرح «میزبان» یکی از شیوه‌های مراقبت خانواده‌محور است که در کنار فرزندخواندگی دائم و طرح «خانواده امین» تعریف شده است. این طرح از آذر ۱۴۰۲ و با ابلاغ آیین‌نامه‌ای ۷۵ ماده‌ای از سوی وزیر دادگستری به سازمان بهزیستی وارد مرحله اجرا شد. در این شیوه، کودک به صورت موقت و در قالب «مهمان» به خانواده‌ای واجد شرایط سپرده می‌شود تا ضمن تجربه زندگی در محیط خانواده، امکان بازگشت به خانواده زیستی یا فراهم شدن شرایط فرزندخواندگی دائم برای او مهیا شود.

آمارها چه می‌گویند؟

آخرین داده‌های سازمان بهزیستی نشان می‌دهد اجرای این طرح، تغییر محسوسی در وضعیت مراکز نگهداری کودکان ایجاد کرده است. بر اساس این آمار، تعداد کودکان ساکن در حدود ۶۸۰ مرکز شبه‌خانواده در سراسر کشور، از حدود ۹ هزار و ۳۰۰ نفر به حدود ۶ هزار و ۵۰۰ نفر کاهش یافته است. به بیان دیگر، نزدیک به سه هزار کودک در قالب این طرح به خانواده‌ها سپرده شده‌اند. نتایج اجرای طرح در شیرخوارگاه‌های هفت‌گانه کشور حتی چشمگیرتر بوده است. تعداد کودکان این مراکز از حدود هزار و ۵۰۰ نفر به تنها ۲۵۱ کودک رسیده؛ کاهشی بیش از ۸۳ درصد.

در دو هفته نخست جنگ اخیر نیز تعداد کودکان حاضر در مراکز به حدود چهار هزار و ۵۰۰ نفر کاهش یافت؛ موضوعی که عمدتا به دلیل حضور موقت کودکان در خانواده‌های میزبان یا استفاده از مرخصی رخ داد. با آرام‌ترشدن شرایط، بخشی از کودکان به مراکز بازگشتند، اما شمار کودکان ساکن در شیرخوارگاه‌ها دیگر به آمار پیشین نرسید و در سطحی پایین‌تر تثبیت شد.

برخی استان‌ها نیز نتایج قابل توجهی را ثبت کرده‌اند. استان کردستان اکنون هیچ کودکی در شیرخوارگاه ندارد و در کرمانشاه تنها پنج کودک در این مراکز نگهداری می‌شوند. در سیستان و بلوچستان نیز با وجود ۳۶ ورودی جدید طی یک سال گذشته، اکنون فقط ۱۰ کودک در شیرخوارگاه حضور دارند و ۵۸ کودک از این مراکز خارج شده‌اند.

چالش وابستگی عاطفی و شرایط کودک میهمان



با وجود موفقیت‌های آماری، نگرانی‌هایی درباره شکل‌گیری وابستگی عاطفی میان کودک و خانواده میزبان مطرح است. کارشناسان بهزیستی معتقدند حتی چند ماه زندگی در یک محیط خانوادگی واقعی، تاثیری عمیق و انکارناپذیر بر رشد روانی و اجتماعی کودک دارد و می‌تواند پلی برای ورود پایدار او به خانواده باشد. سیاست کلی سازمان بهزیستی نیز بر کاهش تدریجی مراکز شبانه‌روزی و جایگزینی آنها با زیست خانوادگی استوار شده است.

به گفته مسئولان بهزیستی، اگرچه در برخی موارد ممکن است چالش‌های عاطفی ایجاد شود، اما زندگی در خانواده، حتی به صورت موقت، به مراتب بهتر از ماندن طولانی‌مدت در مراکز نگهداری است. به همین دلیل، خانواده‌های میزبان پیش از پذیرش کودک آموزش می‌بینند تا بتوانند روابط و تعاملات خود را به درستی مدیریت کنند. واگذاری کودک نیز تنها پس از بررسی صلاحیت‌های روانی و رفتاری متقاضیان انجام می‌شود. افزون بر زوجین، زنان و دختران مجرد نیز می‌توانند از طریق این طرح سرپرستی موقت کودکان را بر عهده بگیرند.

سازمان بهزیستی برای مدیریت وابستگی‌های عاطفی، تدابیری نیز در نظر گرفته است. به گفته مسئولان این سازمان، پیش از هرگونه واگذاری، هم خانواده میزبان و هم کودک ـ در صورتی که از توان تشخیص کافی برخوردار باشند ـ به طور شفاف در جریان موقتی بودن این رابطه قرار می‌گیرند تا از شکل‌گیری دلبستگی شدید جلوگیری شود.

لغو سرپرستی در صورت تشخیص شرایط مخاطره‌آمیز

پس از سپردن کودک به خانواده میزبان، وضعیت او به طور مستمر توسط مددکاران اجتماعی رصد می‌شود. هرزمان کارگروه تخصصی تشخیص دهد کودک در شرایط مخاطره‌آمیز قرار گرفته، احساس امنیت و آرامش ندارد یا نمی‌تواند با اعضای خانواده ارتباط برقرار کند، روند سرپرستی متوقف خواهد شد.

همچنین لزوما کودک به چند خانواده مختلف سپرده نمی‌شود. ممکن است یک خانواده کودک را برای مدت کوتاهی، مثلا دو هفته، بپذیرد و پس از مدتی دوباره درخواست میزبانی او را ارائه کند. در فاصله‌ای که کودک به مرکز بازمی‌گردد نیز خانواده میزبان می‌تواند همچنان به عنوان حامی با او در ارتباط باشد. در طرح میزبان، اگر کودک و خانواده نتوانند با یکدیگر ارتباط مناسبی برقرار کنند، این رابطه خاتمه می‌یابد. هر کودک حداکثر سه بار می‌تواند به خانواده‌های متفاوت سپرده شود. در صورتی که خانواده از عهده نگهداری برنیاید یا کودک و خانواده یکدیگر را نپذیرند، سرپرستی پایان می‌یابد. طبق آمار اعلام شده، حدود دو درصد از کودکان دوباره به مراکز نگهداری بازگشته‌اند.

طرح «میزبان»؛ پلی به سوی خانواده یا چالش وابستگی موقت؟

طرح «میزبان» را بدون تردید می‌توان یکی از جسورانه‌ترین تجربه‌های سال‌های اخیر در حوزه حمایت از کودکان بی‌سرپرست دانست. آمارها از موفقیت این طرح خبر می‌دهند؛ از کاهش ۸۳ درصدی کودکان شیرخوارگاه‌های هفت‌گانه گرفته تا خالی شدن کامل برخی مراکز در بعضی استان‌ها. هزاران کودک که ممکن بود سال‌ها پشت دیوارهای سرد مراکز نگهداری و در میان مربیان متغیر بزرگ شوند، حالا هرچند موقت، طعم زندگی خانوادگی و مهر مادرانه را تجربه کرده‌اند. آثار روانی چنین تجربه‌ای، از کاهش اختلال دلبستگی نهادی تا آماده‌سازی کودک برای فرزندخواندگی دائم، قابل انکار نیست.

با این حال، در کنار این موفقیت‌ها، پرسش‌های مهمی همچنان باقی است. مهم‌ترین چالش، مسئله دلبستگی عاطفی کودک است. به کودکی که هیچ نقشی در سرنوشت خود نداشته گفته می‌شود این خانه و این آغوش موقتی است؛ اما دلبستگی، انتخابی آگاهانه نیست، بلکه نیازی عمیق و زیستی است. پرسش اصلی اینجاست که اگر کودکی پس از شکل‌گیری پیوند عاطفی ناچار به بازگشت به مرکز یا انتقال به خانواده‌ای دیگر شود، چه پیامدی در انتظار او خواهد بود؟

ابهام دیگر به مفهوم «مصلحت کودک» و تصمیم‌گیری کارگروه‌های تخصصی باز می‌گردد. هنوز روشن نیست چه معیارهای مشخص و شفافی برای سنجش این مصلحت وجود دارد. همچنین اگر کودکی تا سه بار میان خانواده‌های مختلف جابه‌جا شود و هیچ‌یک از این تجربه‌ها به سرانجامی پایدار نرسد، آینده او چگونه رقم خواهد خورد؟ آیین‌نامه طرح در برابر این پرسش‌ها پاسخ روشنی ارائه نمی‌دهد.

با وجود همه این ابهام‌ها، طرح «میزبان» روزنه‌ای جدی برای تغییر نگاه به نگهداری کودکان بی‌سرپرست در ایران ایجاد کرده است؛ تغییری که تلاش می‌کند «مرکز» را از محور زندگی کودک حذف و «خانواده» را جایگزین آن کند. موفقیت نهایی این طرح اما نه فقط به کاهش آمار مراکز نگهداری، بلکه به توان آن در ساختن احساس امنیت، تعلق و ثبات برای کودکان وابسته است؛ کودکانی که بیش از هر چیز، به یک خانه واقعی نیاز دارند، نه فقط یک اقامت موقت.

حمل‌ونقل عمومی رایگان در تهران

از یک اقدام موقت جنگی تا آستانه یک تحول دائمی

در روزهایی که تنش‌های سیاسی و نظامی در منطقه به اوج خود رسیده و «جنگ تحمیلی سوم» بر تارک تحولات خاورمیانه سایه انداخته بود، مدیریت شهری تهران دست به اقدامی زد که شاید در نگاه اول صرفا یک تصمیم موقت و بحرانی به نظر می‌رسید: رایگان کردن کامل مترو و اتوبوس‌های بی‌آرتی برای شهروندان. اما آنچه به عنوان یک اقدام حمایتی کوتاه‌مدت برای کاهش فشار اقتصادی بر مردم در روزهای پرالتهاب آغاز شد، به سرعت به یکی از جنجالی‌ترین و پربحث‌ترین طرح‌های مدیریت شهری در دو دهه اخیر تبدیل شده است. اکنون که تاریخ انقضای این طرح (۲۲ اردیبهشت) از راه رسیده است، دوگانه «موقت یا دائمی» شدن این سیاست، شورای شهر و شهرداری تهران را به چالش کشیده است. از یک سو، موافقان با تکیه بر مزایای ترافیکی، زیست‌محیطی و عدالت شهری خواهان تثبیت این طرح هستند و از سوی دیگر، نگرانی از تامین منابع مالی پایدار و جبران درآمد حاصل از فروش بلیت، مدیران شهری را محتاط کرده است.

تولد یک ایده در بحران جنگ تحمیلی سوم

به گزارش «آگاه»، طرح رایگان شدن مترو و اتوبوس‌های بی‌آرتی تهران که در ابتدا برای مقابله با فشارهای اقتصادی ناشی از شرایط جنگی و محدودیت‌های رفت‌وآمد آغاز شد، نه‌تنها با استقبال گسترده شهروندان مواجه شد، بلکه نتایج قابل توجهی در کاهش ترافیک و آلودگی هوا به همراه داشت. بسیاری از شهروندانی که پیش از این به دلیل هزینه‌های بلیت یا سهولت استفاده از خودرو شخصی، کمتر به سمت حمل‌ونقل عمومی می‌رفتند، در این مدت به مشتریان دائمی مترو و اتوبوس تبدیل شدند. این موفقیت میدانی، زمزمه‌های تبدیل شدن طرح موقت به یک سیاست دائمی را قوت بخشید.

با این حال، اجرای این طرح از ابتدا با یک چالش رویه‌ای همراه بود: نیاز به تمدید هفتگی در شورای شهر. این تمدیدهای مکرر که هر بار با فشار افکار عمومی همراه می‌شد، نشان‌دهنده شکنندگی یک تصمیم بزرگ بود. اکنون با فرا رسیدن ضرب‌الاجل ۲۲ اردیبهشت و عدم تشکیل جلسه شورا، روند تمدید متوقف شده و به نظر می‌رسد دوباره باید بهای بلیت‌ها از جیب مردم پرداخت شود؛ مگر آنکه در جلسه پیش روی سه‌شنبه، اعضای شورا چاره‌ای دیگر بیندیشند.

پیشنهاد مدل تشویقی برای پرداخت‌کنندگان عوارض

در میانه این ابهامات، پرویز سروری، نایب‌رئیس شورای اسلامی شهر تهران، در گفت‌وگو با «مهر»، ضمن اشاره به وضعیت فعلی طرح، جزئیات مهمی از چشم‌انداز دائمی شدن آن ارائه کرد. او ابتدا در مورد وضعیت کنونی طرح توضیح داد: این موضوع پس از شرایط جنگی در شورا مطرح و به صورت موقت تصویب شد، اما نیازمند تمدید هفتگی است. هفته گذشته این طرح برای یک هفته دیگر تمدید شد اما این هفته به دلیل تشکیل نشدن جلسه شورا، امکان تمدید آن فراهم نشد. در نتیجه، پس از پایان روز بیست‌ودوم اردیبهشت، استفاده از مترو و بی‌آرتی به‌صورت غیررایگان انجام خواهد شد؛ مگر اینکه در جلسه روز سه‌شنبه شورا، موضوع دوباره مطرح و تمدید شود.

اما مهم‌ترین بخش اظهارات سروری به آینده و امکان دائمی شدن این طرح بازمی‌گشت. او با اشاره به ابعاد حقوقی و مالی موضوع تاکید کرد که رایگان شدن حمل‌ونقل خارج از شرایط جنگی، تشریفاتی جدی‌تر نیاز دارد. وی گفت: رایگان شدن مترو و بی‌آرتی خارج از شرایط جنگی، نیازمند ارائه طرحی دوفوریتی به شورای شهر است تا مورد بررسی و رأی‌گیری قرار گیرد. در بررسی‌های اولیه، پیشنهادهای مختلفی مطرح شده است؛ از جمله اینکه در مرحله نخست، خانواده افرادی که عوارض شهری خود را پرداخت کرده‌اند مشمول استفاده رایگان از حمل‌ونقل عمومی شوند و سپس دامنه طرح گسترش پیدا کند.



سروری در ادامه، از قطعی نبودن نتیجه این طرح سخن گفت و افزود: هنوز هیچ تصمیم قطعی در این زمینه گرفته نشده و ممکن است طرح در صحن شورا رأی نیاورد، اما تاکنون حدود ۱۰ نفر از اعضای شورا آمادگی و موافقت اولیه خود را با این طرح اعلام کرده‌اند.

این اظهارات نشان می‌دهد که اگرچه اقبال سیاسی نسبی به طرح وجود دارد، اما مسیر تبدیل آن به قانون، پرپیچ‌وخم و نیازمند تامین منابع مالی جایگزین است؛ چراکه بخش مهمی از هزینه نگهداری خطوط مترو، تعمیر واگن‌ها و توسعه ناوگان از محل فروش بلیت تامین می‌شود.

اکثریت اعضای شورا با رایگان شدن مترو موافقند

حجت‌الاسلام سیدمحمد آقامیری، نایب‌رئیس کمیسیون عمران شورای اسلامی شهر تهران، نیز از موافقت اکثریت اعضا با این طرح خبر داد. آقامیری ابتدا به وضعیت فعلی و پایان دوره رایگان بودن اشاره کرد و گفت: در حال حاضر مصوبه جدیدی درباره رایگان شدن مترو و اتوبوس وجود ندارد و مطابق مصوبه قبلی، از روز سه‌شنبه بلیت‌ها دوباره پولی خواهد شد. در حال حاضر لایحه یا مصوبه جدیدی در این خصوص نداریم، اما طرحی از سوی شورا برای رایگان شدن مترو تهیه شده که احتمالا در یکی دو جلسه آینده در صحن شورا مطرح خواهد شد. وی افزود: اکثریت اعضای شورای شهر با رایگان شدن مترو موافق هستند. بررسی‌های کارشناسی این موضوع از سال گذشته انجام شده و امیدواریم در جلسات آینده شورا این طرح بررسی و تصویب شود. اگر این طرح در صحن شورا رأی بیاورد، مترو می‌تواند به‌صورت رایگان در اختیار شهروندان قرار گیرد که این موضوع یک اقدام خدماتی مهم به نفع مردم خواهد بود.

براساس مصوبه فعلی، رایگان بودن مترو و اتوبوس تنها تا پایان روز دوشنبه (۲۲ اردیبهشت) ادامه خواهد داشت و از صبح سه‌شنبه، در صورت عدم تصویب مصوبه جدید، دستگاه‌های فروش بلیت دوباره روشن می‌شوند. هرچند آقامیری اشاره کرده که شهرداری ممکن است به طور موقت و داوطلبانه این طرح را تمدید کند و بعدا لایحه آن را به شورا ببرد، اما این سناریو نیز قطعی نیست.

آنچه مسلم است، تجربه کوتاه‌مدت اما موفق طرح رایگان شدن حمل‌ونقل عمومی در تهران، یک آزمون بزرگ اجتماعی و مدیریتی را رقم زده است. از منظر عدالت شهری، چنین طرحی می‌تواند شکاف دسترسی به فرصت‌ها را کاهش دهد و به ویژه برای ساکنان مناطق کم‌برخوردار که فاصله طولانی تا محل کار یا تحصیل دارند کمک‌کننده باشد. در بسیاری از کلان‌شهرهای جهان نیز سیاست‌هایی مشابه برای تشویق مردم به استفاده از حمل‌ونقل عمومی اجرا شده است. طرحی که از دل بحران جنگ رمضان متولد شد، اکنون این شانس را دارد که به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تحولات در مدیریت حمل‌ونقل پایتخت ثبت شود. پاسخ این پرسش در هاله‌ای از ابهام باقی مانده و به نظر می‌رسد تنها ساعات آینده و جلسه شورا می‌تواند تکلیف نهایی شهروندان تهرانی را با یکی از مهم‌ترین خدمات شهری روشن کند.

از تجربه میدان تا دیپلماسی اجتماعی
روایت تازه‌ای از حضور زنان در جامعه

یک جامعه‌شناس با تاکید بر اینکه حضور زنان در جامعه را نمی‌توان صرفا در قالب شاخص‌های آماری یا مشارکت‌های ظاهری توضیح داد، گفت: آنچه امروز در فضای شهری دیده می‌شود نشان می‌دهد زنان در حال عبور از نقش‌های صرفا سنتی هستند و حضور آنان در عرصه عمومی به شکل‌گیری گفت‌وگوهای اجتماعی، تقویت پیوند میان خانواده و جامعه و افزایش کیفیت تعاملات انسانی کمک می‌کند.

به گزارش «ایسنا» دکتر طاهره رستمی، جامعه‌شناس و عضو کارگروه راهبردی زنان و خانواده جهاددانشگاهی، اظهار کرد: در سال‌های اخیر شکل حضور زنان در جامعه دچار تحول قابل توجهی شده است. اگر در گذشته مشارکت اجتماعی زنان بیشتر در چارچوب‌های محدودتری تعریف می‌شد، امروز می‌توان مشاهده کرد که آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی نقش فعال‌تری ایفا می‌کنند و همین حضور بر کیفیت روابط اجتماعی نیز اثرگذار است.

وی افزود: زنان امروز تنها به عنوان افرادی حاضر در فضای عمومی دیده نمی‌شوند، بلکه به نوعی حامل تجربه زیسته خانواده در عرصه اجتماعی نیز هستند. آنان با خود نوعی فرهنگ ارتباطی، روحیه مراقبت و حساسیت نسبت به روابط انسانی را وارد فضاهای اجتماعی می‌کنند؛ موضوعی که می‌تواند در تقویت اعتماد اجتماعی، کاهش فاصله‌های میان افراد و افزایش همدلی در جامعه نقش داشته باشد.

رستمی ادامه داد: در گذشته معمولا خانواده و جامعه به‌عنوان دو حوزه جداگانه تعریف می‌شدند؛ یکی در حریم خصوصی و دیگری در عرصه عمومی. اما آنچه امروز مشاهده می‌شود نشان می‌دهد زنان در بسیاری از موقعیت‌ها به حلقه اتصال این دو حوزه تبدیل شده‌اند. حضور آنان باعث می‌شود بخشی از ارزش‌ها و تجربه‌های زندگی خانوادگی، مانند توجه به دیگری، مسئولیت‌پذیری و روحیه همراهی، به فضای اجتماعی نیز منتقل شود.

این جامعه‌شناس با اشاره به تجربه‌های میدانی خود از حضور شبانه در فضاهای شهری گفت: طی ۶۷ شب حضور مستمر در خیابان و مشاهده مستقیم رفتارهای اجتماعی، یکی از نکات قابل توجه نقش فعال زنان و مادران در ایجاد نوعی تعادل و آرامش در فضای عمومی بود. در بسیاری از این موقعیت‌ها دیده می‌شد که آنان در شکل‌گیری فضای گفت‌وگو و تعامل میان گروه‌های مختلف اجتماعی نقش دارند و به نوعی در تنظیم روابط اجتماعی و کاهش فاصله‌های ارتباطی میان افراد موثر واقع می‌شوند.

وی افزود: در بسیاری از این شب‌ها، زنان همراه با خانواده و فرزندان خود در اجتماع حضور داشتند و همین حضور، نوعی تجربه اجتماعی زنده برای نسل جدید ایجاد می‌کرد. کودکان در چنین موقعیت‌هایی نه‌تنها با مفهوم حضور در جامعه آشنا می‌شوند، بلکه از طریق مشاهده رفتار مادران خود، شیوه ارتباط با دیگران، مسئولیت اجتماعی و احساس تعلق به جامعه را نیز به‌صورت عملی تجربه می‌کنند.

رستمی تصریح کرد: بخش مهمی از تربیت اجتماعی انسان‌ها از مسیر مشاهده و تجربه روزمره شکل می‌گیرد. زمانی که کودک حضور آگاهانه و مسئولانه مادر را در فضای اجتماعی می‌بیند، بسیاری از ارزش‌های انسانی مانند همدلی، مسئولیت‌پذیری و توجه به دیگران به‌صورت عملی به نسل بعد منتقل می‌شود. وی با اشاره به تجربه‌های تاریخی نیز گفت: در دوره‌های دشوار و شرایط بحرانی، از جمله سال‌های جنگ، نقش زنان در جامعه همواره فراتر از آن چیزی بوده که در نگاه‌های کلیشه‌ای تصور می‌شود. زنان در چنین شرایطی نه‌تنها در پشتیبانی از خانواده و حفظ انسجام اجتماعی نقش داشته‌اند، بلکه در تقویت روحیه جمعی، حفظ امید اجتماعی و ایجاد پیوند میان خانواده و جامعه نیز سهم مهمی ایفا کرده‌اند.

عضو کارگروه راهبردی زنان و خانواده جهاددانشگاهی ادامه داد: امروز نیز می‌توان نشانه‌هایی از همان ظرفیت اجتماعی را در شکل‌های جدید حضور زنان مشاهده کرد. زنان با حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی در واقع در میدان گفت‌وگو و تعامل اجتماعی نقش‌آفرینی می‌کنند و همین مسئله می‌تواند به افزایش درک متقابل میان افراد و کاهش تنش‌های اجتماعی کمک کند.

وی در پایان گفت: جامعه برای حفظ پویایی خود نیازمند پیوند میان زندگی خانوادگی و عرصه عمومی است. زنان به دلیل تجربه زیسته و نقش ارتباطی که در خانواده دارند، می‌توانند در ایجاد این پیوند نقش موثری ایفا کنند به همین دلیل، توجه به حضور اجتماعی زنان صرفا موضوعی مربوط به زنان نیست، بلکه بخشی از فهم تحولات اجتماعی و آینده روابط انسانی در جامعه به شمار می‌آید.

افزایش ۱۷۵۲ تاکسی برقی دیگر در تهران

چالش جایگاه شارژ خودروهای برقی



معاون نظارت بر امور مناطق سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهرداری تهران از اضافه شدن ۱۷۵۲ دستگاه تاکسی برقی دیگر به ناوگان حمل‌ونقل پایتخت خبر داد.

به گزارش «آگاه»، علی خموشی با اشاره به اینکه شهرداری تهران گام‌های مهمی در ورود به عرصه خودروهای برقی برداشته است، اعلام کرد: تاکنون ۱۷۲ دستگاه خودرو جک و یک هزار دستگاه از خودروهای آیون به ناوگان تاکسیرانی اضافه شده و برنامه افزودن ۱۷۵۲ دستگاه دیگر آیون در دست اجراست. وی این اقدام را تحولی انقلابی در ناوگان تاکسیرانی تهران توصیف کرد.

خموشی همچنین به برگزاری مراسمی با حضور حدود ۱۰۰ دستگاه تاکسی برقی تازه اضافه شده اشاره کرد و گفت: تاکسیرانان تهران در این حرکت خودجوش، حمایت و همراهی خود را با مردم و انقلاب نشان دادند. این قشر زحمتکش حتی در شرایط دشوار جنگ اقتصادی، به خدمات‌رسانی مستمر در پایانه‌های شهری ادامه دادند.

معاون تاکسیرانی تهران در عین حال به یکی از چالش‌های اصلی تاکسیرانان خودروهای برقی اشاره کرد و افزود: کمبود و پراکندگی جایگاه‌های شارژ به‌ویژه در خارج از محدوده شهری، موجب توقف‌های طولانی برای شارژ خودروها می‌شود. شهرداری تهران در داخل شهر تلاش کرده با افزایش جایگاه‌های شارژ این مشکل را کاهش دهد و در مسیرهای بین شهری مانند جاده قم و جاده شمال نیز جایگاه‌های شارژ در حال راه‌اندازی است. خموشی از دستگاه‌های مربوطه خواست تا با تسریع در ایجاد جایگاه‌های شارژ مناسب، شرایط را برای توسعه حمل‌ونقل پاک و خدمات‌رسانی بهتر به شهروندان فراهم کنند.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۵۴۰

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

سه شنبه

۲۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۵

۲۴ ذی القعده ۱۴۴۷ | ۱۲ می ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۳:۲۸
اذان ظهر	۱۲:۰۱
اذان مغرب	۱۹:۱۵
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۱۲

پیش از تشنگی، آب بنوشید

بدن برای عملکرد صحیح باید مایعات و الکترولیت کافی داشته باشد.
میزان مصرف روزانه آب به عوامل مختلفی چون فصل یا آب و هوای محل زندگی بستگی دارد و در روزهای گرم، بسیاری از مایعاتی که فرد مصرف می‌کند از طریق تعریق دفع می‌شود.
کم‌آبی به علائمی همچون سرگیجه، گیجی، خستگی و تشنگی شدید منجر می‌شود و در موارد شدیدتر ممکن است باعث عوارض جدی مانند تشنج یا نارسایی کلیه شود.
متخصصان سلامت در پاسخ به این سوال که «در هوای گرم چقدر باید آب بنوشیم؟» توصیه می‌کنند: پیش از آنکه احساس تشنگی کنید، آب بنوشید.
اگر بیرون از خانه و در هوای گرم کار می‌کنید، هر ۱۵ تا ۲۰ دقیقه یک فنجان آب بنوشید. همچنین نوشیدن تدریجی مقدار کمی آب بهتر از آن است که یک‌باره حجم زیادی آب بنوشید.
افراد، تشنگی را عاملی می‌دانند که آنها را به نوشیدن آب ترغیب می‌کند اما تشنگی تقریبا نشانه دیرهنگام «بی‌آبی» بدن است، بنابراین منتظر تشنگی نمانید.
به گزارش مدیکال اسپرس، هرچند نوشیدن آب برای جایگزین کردن آب از دست رفته از راه تعریق در هوای گرم مهم است اما باید به طور منظم وعده‌های غذایی سالم نیز مصرف کنید تا نمکی که با تعریق دفع می‌شود، جبران و در نتیجه تعادل الکترولیتی بدن حفظ شود.

این روش‌ها ماندگاری و خواص سیر را چند برابر می‌کنند

برای اینکه سیر هم خوش‌طعم بماند و هم خواصش حفظ شود، کافی است آن را در محیطی خشک، خنک و دور از نور نگهداری کنی. یک تغییر ساده در نگهداری، می‌تواند هم از دور ریز جلوگیری کند و هم بیشترین فایده را به بدنت برساند.
سیر یکی از پایه‌های اصلی آشپزی در بسیاری از فرهنگ‌هاست، اما چیزی که آن را خاص‌تر می‌کند، فواید فوق‌العاده‌اش برای سلامتی است. مصرف منظم سیر می‌تواند به تقویت سیستم ایمنی، کاهش کلسترول، بهبود سلامت روده، کنترل فشار خون و تنظیم قند خون کمک کند. این ماده غذایی همچنین سرشار از آنتی‌اکسیدان‌هاست و به کاهش التهاب در بدن کمک می‌کند.
اما نکته مهم اینجاست: اگر سیر را درست نگهداری نکنی، خیلی زود چروکیده، کپک‌زده یا جوانه‌زده می‌شود و بخشی از خواصش را از دست می‌دهد.

روش درست نگهداری سیر

بهترین حالت نگهداری سیر، قرار دادن آن در محیطی خشک، خنک و تاریک است. سبدهای فلزی یا ظرف‌های سفالی بهترین انتخاب هستند، چون گردش هوا را فراهم می‌کنند و از تجمع رطوبت جلوگیری می‌شود.
اگر انباری داری، سیر را آنجا نگه دار. اگر نه، یک کابینت دور از نور و گرما هم مناسب است. مهم این است که سیر در معرض نور مستقیم و رطوبت نباشد.

چرا یخچال گزینه خوبی نیست؟

برخلاف تصور خیلی‌ها، یخچال جای مناسبی برای سیر کامل نیست. دمای پایین و رطوبت بالا باعث می‌شود سیر سریع‌تر خراب شود یا جوانه بزند.

با چه موادی سیر را نگهداری نکنیم؟

سیر را کنار سیب‌زمینی نگه ندار. گازهایی که سیب‌زمینی آزاد می‌کند باعث می‌شود سیر زودتر خراب شود. اما می‌توانی آن را کنار پیاز قرار بدهی، چون از یک خانواده هستند.

سیر پوست‌کنده را چطور نگه داریم؟

اگر سیر را پوست گرفته‌ای، می‌توانی آن را داخل ظرف دربسته در یخچال نگه داری، اما حتما در کمتر از یک هفته مصرفش کن.

نگهداری سیر خردشده

اگر زیاد آشپزی می‌کنی، می‌توانی سیر را خرد کنی و در قالب‌های کوچک فریز کنی. این کار هم زمانت را ذخیره می‌کند، هم همیشه سیر آماده داری.

یک نکته مهم درباره خواص سیر

بهتر است به‌جای سیر آماده یا پوره‌شده، خودت سیر را تازه خرد کنی. چون ماده‌ای به نام آلیسین که نقش مهمی در تقویت سیستم ایمنی و حتی پیشگیری از برخی بیماری‌ها دارد، در سیر تازه بیشتر حفظ می‌شود.



منبع: eatingwell

آب و هوا



سامانه بارشی امروز وارد ایران می‌شود

سازمان هواشناسی از ورود موج جدید بارشی به کشور از امروز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت خبر داد.
بر اساس تحلیل نقشه‌های همدیدی و آینده‌نگری سازمان هواشناسی از امروز سه‌شنبه با ورود سامانه بارشی، استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، زنجان، همدان، مرکزی و قزوین شاهد ناپایداری‌های جوی خواهند بود.
چهارشنبه نیز بارش‌ها در شمال غرب، غرب، استان‌های ساحلی دریای خزر و شمال شرق ادامه می‌یابد و پنج‌شنبه این سامانه در شمال شرق کشور فعال خواهد بود. در برخی ساعات وقوع رعدوبرق، وزش باد شدید موقت، گردوخاک و در مناطق مستعد بارش تگرگ دور از انتظار نیست. همچنین از اواخر روز جمعه سامانه بارشی دیگری در شمال غرب و غرب کشور فعال خواهد شد.



دشت لاله‌های واژگون چشمه «چپقلی» ـ اراک
دشت لاله‌های واژگون در منطقه «چپقلی» اراک، همزمان با فصل بهار میزبان رویش یکی از گونه‌های ارزشمند گیاهی کوهستانی است؛ گلی کمیاب که زیبایی آن در کنار تهدیدهای زیست‌محیطی، ضرورت حفاظت از این میراث طبیعی را یادآور می‌شود.

عکس: محمد اسدی / ایسنا

هوش مصنوعی «مطمئن نیستم» را یاد گرفت

گروهی از محققان کره‌ای روشی برای آموزش هوش مصنوعی ابداع کرده‌اند تا «اطمینان نداشتن» از پاسخ را به آن بیاموزند.
به نقل از فیز، گروهی از محققان موسسه KAIST در کره جنوبی یک روش آموزش جدید برای هوش مصنوعی ابداع کرده‌اند که به این فناوری امکان می‌دهد وضعیت‌های ناشناخته یا دانش نادیده را شناسایی کند و مبنایی برای کاهش بیش از حد و بهبود اعتماد پذیری فراهم کند.
این محققان به رهبری «سی بوم پایک» از دپارتمان مغز و علوم شناختی متوجه شده‌اند «مقداردهی اولیه تصادفی» که به طور گسترده در یادگیری عمیق (نوعی هوش مصنوعی) به کار می‌رود، احتمالا دلیل اصلی اعتماد بیش از حد در این فناوری است.
آنها برای غلبه بر این چالش یک استراتژی «گرم کردن» پیشنهاد کرده‌اند که در آن شبکه‌های عصبی به مدت کوتاه با استفاده از نویزهای تصادفی یا داده‌های ورودی بی‌معنی آموزش می‌بینند.
پژوهشگران متوجه شدند اعتماد بیش از حد هوش مصنوعی در مرحله مقداردهی اولیه ظاهر می‌شود که ممکن است به اشتباهات مهمی در مراحل بعدی آموزش منجر شود. در واقع هنگامی که داده‌های تصادفی به یک شبکه عصبی مقداردهی تصادفی وارد شوند، مدل با وجود آنکه چیزی نیاموخته، قابلیت اعتماد بالایی از خود نشان می‌دهد. این ویژگی ممکن است به توهم در هوش مصنوعی مولد تبدیل شود که در آنجا اطلاعات اشتباه به شیوه‌ای قابل قبول تولید می‌شوند.
همچنین آنها سرنخ‌هایی برای حل این مشکلات در مغز زیستی یافتند. مغز انسان حتی قبل از تولد، مدارهای عصبی را از طریق «فعالیت عصبی خودجوش» یا سیگنال‌های مغزی که بدون داده ورودی تولید می‌شوند، تشکیل می‌دهد.
محققان با به کار گیری این کانسپت در شبکه‌های هوش مصنوعی یک مرحله «گرم کردن» معرفی کردند که در آن شبکه قبل از یادگیری واقعی، با استفاده از داده‌های نویزی تصادفی پیش آموزش دریافت می‌کند. این امر به فرآیندی منجر می‌شود که در آن هوش مصنوعی عدم قطعیت خود را قبل از یادگیری داده‌ها تنظیم می‌کند.
به بیان دیگر مدل هوش مصنوعی پیش از یادگیری از داده‌های واقعی، نخست وضعیت «من هنوز چیزی نمی‌دانم» را می‌آموزد. در نتیجه صحت و اطمینان مدل به طور طبیعی همسان می‌شوند.

سبک زندگی

روش کاشت پیاز جوانه زده در آب و گلدان خانگی

کاشت پیاز جوانه زده ساده‌ترین راه برای داشتن سبزی تازه در خانه است. خیلی از ما پیازهای جوانه زده را دور می‌ریزیم، اما همین پیاز می‌تواند منبعی دائمی برای تولید برگ سبز خوش عطر و حتی پیاز تازه باشد. با چند روش آسان در آب یا خاک، می‌توانید یک گلدان خوراکی همیشه سبز داشته باشید.
داشتن سبزی تازه در خانه لزوما به باغچه یا وسایل حرفه‌ای احتیاج ندارد. بسیاری از مواد غذایی که در آشپزخانه فراموش می‌کنیم، قابلیت دوباره روییدن دارند و پیاز یکی از ساده‌ترین آنهاست.
کاشت پیاز جوانه‌زده یک راه حل کم هزینه، سرگرم‌کننده و پایدار است که هم به کاهش دورریز غذا کمک می‌کند و هم همیشه مقداری برگ سبز و حتی پیاز تازه در اختیار شما قرار می‌دهد. در ادامه، بهترین روش‌های کاشت پیاز جوانه زده در خانه را مرور می‌کنیم:

اگر به دنبال روشی سریع و کم دردسر هستید، کاشت پیاز در آب بهترین گزینه است

روش انجام کار:
۱. پیاز جوانه زده را انتخاب کنید؛ بهتر است پیاز خیلی نرم یا کپک‌زده نباشد.
۲. آن را در یک کاسه یا شیشه قرار دهید؛ طوری که فقط قسمت ریشه با آب تماس داشته باشد.
۳. ظرف را در محیطی روشن بگذارید؛ کنار پنجره بهترین انتخاب است.
۴. هر دو یا سه روز آب را عوض کنید تا ریشه‌ها سالم بمانند.
۵. طی چند روز برگ‌های سبز رشد می‌کنند و قابل برداشت خواهند بود.
مزیت: سرعت بالای رشد و امکان برداشت چندباره برگ‌های سبز
کاربرد: برگ‌ها طعم ملایمی شبیه پیازچه دارند و برای سوپ، سالاد، سس و تزئین غذا عالی‌اند.

اگر می‌خواهید از پیاز جوانه زده، پیاز تازه هم برداشت کنید، کاشت در خاک بهترین گزینه است

مراحل کاشت در گلدان
۱. انتخاب گلدان: گلدانی با زهکشی مناسب و عمق حداقل ۱۵ سانتی‌متر.
۲. خاک مناسب: ترکیبی از خاک سبک با کمی کود آلی یا ورمی‌کمپوست.
۳. کاشت پیاز: پیاز را تا نصف داخل خاک قرار دهید؛ جوانه باید بیرون بماند.
۴. آبیاری: خاک را کمی مرطوب نگه دارید؛ غرقابی نکنید.
۵. نور: روزی ۵-۶ ساعت نور غیرمستقیم به رشد سریع کمک می‌کند.
۶. برداشت:
- **برگ سبز:** هر زمان که برگ‌ها ۱۵-۲۰ سانتی‌متر شدند.
- **پیاز تازه:** معمولا هشت تا ۱۲ هفته بعد، زمانی که برگ‌ها زرد و خشک می‌شوند.

نکات مهم برای موفقیت در کاشت پیاز جوانه زده

- اگر جوانه سبز شده و قوی است، پیاز حتی کوچک هم باشد رشد خوبی دارد.
- چند پیاز را کنار هم بکارید تا برگ‌های بیشتری تولید شود.
- اگر برگ‌ها کم‌رنگ یا نازک شدند، پیاز نور بیشتری نیاز دارد.
- پیاز جوانه‌زده را می‌توان چند بار در خاک پرورش داد، اما ارزش غذایی پیاز اصلی به مرور کاهش می‌یابد.

مزایای کاشت پیاز جوانه زده

- **صرفه جویی اقتصادی:** برگ‌های سبز مرتب رشد می‌کنند و جایگزین پیازچه می‌شوند.
- **کاهش دورریز مواد غذایی:** به جای دور ریختن، پیاز دوباره زنده می‌شود.
- **کاشت آسان برای مبتدی‌ها:** نیازی به مهارت باغبانی یا ابزار خاص ندارد.
- **قابل کاشت در آپارتمان:** حتی کنار پنجره هم رشد می‌کند.

سوالات متداول

۱. آیا هر پیاز جوانه زده‌ای قابل کاشت است؟
بله، تا زمانی که کپک زده نباشد و ریشه و جوانه سبز داشته باشد، قابل کاشت است.
۲. پیاز در آب بهتر رشد می‌کند یا خاک؟
برای برداشت برگ سبز، آب مناسب‌تر و سریع‌تر است؛ اما برای تولید پیاز جدید، کاشت در خاک نتیجه می‌دهد.
۳. آیا برگ‌های پیاز طعم تندی دارند؟
طعم آنها ملایم‌تر از پیازچه است و برای خام‌خواری یا افزودن تازه به غذا بسیار مناسب‌اند.
۴. چقدر طول می‌کشد تا پیاز کامل رشد کند؟
اگر در خاک کاشته شود، معمولا دو تا سه ماه زمان می‌برد.
۵. آیا می‌توان چند بار از یک پیاز برداشت کرد؟
بله، برگ‌های سبز چند بار دوباره رشد می‌کنند، اما برای تولید پیاز کامل معمولا فقط یک بار محصول می‌دهد.



با نوشیدن چای سبز چه اتفاقی برای فشار خون می‌افتد؟

چای سبز فقط یک نوشیدنی سنتی نیست بلکه می‌تواند به سلامت قلب و کنترل فشار خون کمک کند. اما این تاثیر چطور اتفاق می‌افتد و آیا برای همه مناسب است؟
چای سبز، این نوشیدنی قدیمی و محبوب، فراتر از یک انتخاب آرامش بخش روزانه است. تحقیقات نشان می‌دهد که ترکیبات فعال آن می‌توانند به بهبود سلامت قلب و حتی کنترل فشار خون کمک کنند. اما آیا نوشیدن چای سبز واقعا می‌تواند فشار خون را کاهش دهد، یا تاثیر آن فقط موقتی است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد پاسخ این سوال به نحوه مصرف، میزان آن و شرایط بدنی هر فرد بستگی دارد.

تاثیر چای سبز روی فشار خون

۱. کمک به بازشدن رگ‌ها
چای سبز سرشار از آنتی‌اکسیدان‌هایی به نام «کاتچین‌ها» است. یکی از مهم‌ترین آنها EGCG است که باعث افزایش نیتریک اکسید در بدن می‌شود.
- رگ‌ها شل‌تر می‌شوند
- جریان خون بهتر می‌شود
- فشار خون کمی کاهش پیدا می‌کند

۲. محافظت طولانی‌مدت از عروق
- التهاب را کاهش می‌دهند
- از آسیب اکسیداتیو جلوگیری می‌کنند

این یعنی: رگ‌ها سالم‌تر می‌مانند و احتمال بالا رفتن فشار خون در آینده کمتر می‌شود.

چای سبز با اینکه کمتر از قهوه کافئین دارد، اما هنوز:

- می‌تواند به طور موقت فشار خون را بالا ببرد، مخصوصا در افراد حساس به کافئین

برای اکثر افراد، اثرات مثبت بلندمدت بیشتر از اثر کوتاه‌مدت کافئین است.

نکات مهم مصرف

- چای را حداقل سه تا پنج دقیقه دم کنید تا ترکیبات مفید آزاد شوند
- بهتر است بدون شکر مصرف شود
- چای دم‌کرده بهتر از مکمل‌ها یا عصاره‌هاست

چای سبز ممکن است

- روی جذب برخی داروهای فشار خون یا قلب تاثیر بگذارد
- مثلا اثر بعضی بتابلاکرها را کاهش دهد
- اگر دارو مصرف می‌کنید، حتما با پزشک هماهنگ کنید.

چه کسانی باید احتیاط کنند؟

- زنان باردار یا شیرده
- افراد با اضطراب یا تپش قلب
- کسانی که مشکل خواب دارند

در این موارد چای سبز بدون کافئین گزینه بهتری است.

منبع: eatingwell

ژاپن استفاده از پهپادهای مقوایی را آغاز کرد



جونیچیرو کویزومی، وزیر دفاع ژاپن به تازگی اعلام کرده که این کشور شروع به استفاده از پهپادهای جنگی با قابلیت تعویض آسان کرده است که تقریبا به طور کامل از مقوا ساخته شده‌اند.
پهپاد ایرکاموی ۱۵۰ که توسط شرکت اسلحه‌سازی ژاپنی ایرکاموی ساخته شده، یک هواپیمای بال ثابت است که از همان جنس جعبه‌های آمازون ساخته شده و برای پرتاب انبوه طراحی شده است.
به نقل از فیوچریسم، براساس پستی که کویزومی در شبکه اجتماعی ایکس گذاشته است، نیروی دفاع دریایی ژاپن در حال حاضر از این پهپادها به عنوان «هدف» استفاده می‌کند، هرچند اینکه برای تمرین هدف‌گیری نظامی استفاده می‌شود یا به عنوان نوعی طعمه هنوز مشخص نیست.
قیمت هر قطعه از این پهپادها بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ دلار است. یکی از کارمندان ایرکاموی گفته است که هر پهپاد تا شو است و می‌توان آن را در حدود پنج دقیقه به طور کامل از جعبه خارج کرد. با وجود سیستم پیشرانه اولیه که توسط مقوا نگه داشته می‌شود، آنها دارای زمان پرواز ۸۰ دقیقه و حداکثر سرعت چشمگیر حدود ۶۲ مایل در ساعت هستند.
به گفته ایرکاموی، فرآیند تولید سریع به این معنی است که هر ماشین کار قدیمی که به دستگاه برش مقوا دسترسی دارد، می‌تواند این پهپادها را توسعه دهد و به یک شرکت هوافضای بسیار تخصصی نیاز نیست.
یاماگوچی تاکومی، مدیرعامل ایرکاموی می‌گوید: تقاضای زیادی برای پهپادهای کم‌هزینه که می‌توانند در تعداد زیاد و در مسافت‌های طولانی کار کنند، وجود دارد. این مدل را می‌توان در هر کارخانه مقواسازی تولید کرد و قابلیت تولید انبوه بالا و یک زنجیره تامین قوی را تضمین کرد.

#تجربه_کردم

سربازخانه

محیط فرهنگی، پادگان و سربازخانه نیست که آدم‌ها از بیخ صبح تا نوک شب در آن باشند.
زور کردن ساعت به کارمندان و همکاران فرهنگی، چاره کار نیست. تلاش کن همکارانت را به محل و کارشان علاقه‌مند کنی.
جلسه‌های کوتاه (بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه) همراه با جلوه‌های تصویری (پخش فیلم، پاورپوینت و...) می‌تواند از خمیازه کشیدن‌ها و پی‌درپی «آرزوی تمام‌شدن»های اعضا (!) بکاهد.

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده